



شماره ۲۳-۲۴

سال پنجم

## فهرستِ مُذَرَّجَات

- عید سعید فطر )
- جشن اتفاق ملت )
- آذین و شهر آیین )
- کیفیت ختم شریف در تراویح )
- تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم )
- سیاحت )
- نقل استفتا و فتوای محکمه شرعیه )
- ادبیات ( نامه منظومه -- انتخاب از خوشحال خان

افسانه های جنگ از جراید اروپا - نطق صدراعظم المان - نطق وزیر جنگ المان - انگلیس در عراق  
عرب چسان داخل شد - تحت البحرهای جدید المان - در مدیترانه - تنقیدات يك صاحب منصب المانی -  
آیا شریف مکه واعراب بغاوت کرده اند - ولیعهد عثمانی در فرونت غرب - تشویقات عثمانی در البانی -  
بیانات يك صاحب منصب المانی - آتش سیال یامایع سوزان - مس در المان - حمله به ریکا از خشکی و دریا -  
توسعه حقوق نسوان در زوتر - استخدام نسوان در جنگ - احتراق در کارخانه باروت - تبریکات قیصر -  
ماموریت های فوق العاده فرزندان قیصر -

حوادث خارجی

( سراج التواریخ - ایضاً اعلان سراج التواریخ

اعلان

( سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

خاتم

( از منظر های عید سعید - کذا - تشریف آوری اعلیحضرت پادشاه به مصلی - عودت شاهانه از نغان -

تساویر



## اعلان

از صنایع پروریهای ذات ستوده صفات اعلی حضرت سراج الملة والدين بادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسی و مهت جناب جریل کارخانه جات ، ماشین خانه مبارکه دارالسلطنه کابل علاوه بر ایضای حوائج دولتی و عسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه های عساکر شاهانه و غیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که از اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که از حضور اعلی حضرت مجبونی حکم فروش ان صادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل ( دکان عبدالله خان در بازار ارک ) میباشد .

( ۱ ) | سرج های بشمینه بافی رنگهای مختلف که قیمت آن از قرار گزاف کلبری ۳ قوته مشخص شده در صندوقخانه جنسی هم فر و تن می رسند

| اقسام | قسم اول  |          |          | قسم دوم  |          |                    |
|-------|----------|----------|----------|----------|----------|--------------------|
|       | درجه اول | درجه دوم | درجه سوم | درجه اول | درجه دوم | درجه سوم قدری کلفت |
| رقم   | رنگه     | خود رنگ  | رنگه     | خود رنگ  | رنگه     | خود رنگ            |
| قیمت  | ۷ روپیه  | ۶ روپیه  | ۶ روپیه  | ۶ روپیه  | ۵ روپیه  | ۵ روپیه            |
|       | ۵ پیه    | ۱۱ پیه   | ۴۲ پیه   | ۴۸ پیه   | ۱۸ پیه   | ۲۵ پیه             |

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گزاف کلبری | کشمیره چهارخانه ۷ روپیه ۳۵ پیه | کشمیره رهدار هر رقم ۷ روپیه بیست پیه

| جرا بها |                |            | تکمه های چرمی محراب و منبردار |                |                |
|---------|----------------|------------|-------------------------------|----------------|----------------|
| رقم     | نکته بانکه زوج | راهدار زوج | معمولی زوج                    | کلان فی درجن   | میان فی درجن   |
| قیمت    | ۱ روپیه ۵۲ پیه | ۴۵ پیه     | ۳۶ پیه                        | ۱ روپیه ۴۰ پیه | ۱ روپیه ۱۰ پیه |
|         |                |            |                               | ۵۵ پیه         |                |

( ۴ ) | کروره های جدید ساخت

| رقم  | زه باف بک اسبه دو کره دو تاره | زه باف بک اسبه دو کره سه تاره        | جرم باف بک اسبه                      | بک اسبه جار تاره نخی      |
|------|-------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|---------------------------|
| قیمت | ۸ روپیه و ۳۳ پیه              | ۹ روپیه و ۲۴ پیه                     | ۸ روپیه و ۴۲ پیه                     | ۶ روپیه و ۱۱ پیه          |
| رقم  | جرم باف دست بادامی دو اسبه    | جرم باف دسته دولانه بک اسبه          | دسته دولانه بکی جار اسبه             | جرم باف هر کاب            |
| قیمت | ۴ روپیه و ۴۸ پیه              | ۴ روپیه و ۴۶ پیه                     | ۸ روپیه و ۲۳ پیه                     | ۴ روپیه و ۴۳ پیه          |
| رقم  | قبضه برنجی کلیت قره توبخانه   | قبضه کلیت قره از جرم سه لایه توبخانه | زه باف رقم سواری سامی کلیت           | زه باف دو تاره رکاب       |
| قیمت | ۳ روپیه و ۵۵ پیه              | ۴ روپیه و ۵۷ پیه                     | ۵ روپیه و ۹ پیه                      | ۵ روپیه و ۵۴ پیه          |
| رقم  | رکابی از نخ                   | جرم باف میانه خوب بیت زنانه          | از زین سواری تیغ چرمی                | زنانه ابریشمی خطاطه       |
| قیمت | ۴ روپیه و ۴۵ پیه              | ۵ روپیه و ۸ پیه                      | ۴ روپیه و ۵۸ پیه                     | ۵ روپیه و ۸ پیه           |
| رقم  | دسته بادامی تیغ چرمی          | دسته دولانه سامی برنجی کلیت قره      | از زین سواری دولانه تیغ چرمی کجک دار | جرم باف میانه بیت بک اسبه |
| قیمت | ۴ روپیه و ۴۹ پیه              | ۴ روپیه و ۴۵ پیه                     | ۴ روپیه و ۵۹ پیه                     | ۸ روپیه و ۱۲ پیه          |

( ۵ ) | قسام کلهای مصنوعی سر

| قسم  | کل جبرین         | کل نافرمان       | کل برینه         | کل شبو           |
|------|------------------|------------------|------------------|------------------|
| قیمت | ۵ روپیه و ۳۶ پیه | ۶ روپیه و ۶ پیه  | ۶ روپیه و ۷ پیه  | ۶ روپیه و ۳ پیه  |
| قسم  | شکوفه نارنج      | کل یاسمن         | کل نسترن         | جنیلی            |
| قیمت | ۷ روپیه و ۴۵ پیه | ۶ روپیه و ۵۸ پیه | ۵ روپیه و ۳۸ پیه | ۶ روپیه و ۸ پیه  |
| قسم  | شکوفه سیب        | کل گلاب          | کل سوسن          | گل گندمی         |
| قیمت | ۶ روپیه و ۳۵ پیه | ۷ روپیه و ۱۲ پیه | ۶ روپیه و ۵۴ پیه | ۶ روپیه و ۵۴ پیه |

( میر محمد هاشم دقتری کارخانه جات ( کهمدان نظامی )

( الشیر )



قیمت تیشالیان

در دار السلطنة کابل ۸ روپيه کابل

در اطراف داخله مملکت

باخراجات داک ۱۴ روپيه کابل

در خارج مملکت

باخراجات داک ۱۰ روپيه انگلیزی

هر یازده روز یکبار نشر میشود

نیت يك نسخه آن در کابل یکمبای است

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)



ملک فیروز محمدي

محمود سزى

الایم خاؤم مطبعه

در ماشینخانه دار السلطنة (کابل)

همه امورات تحریریه به اداره خانه

بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غره شوال ۱۳۳۴

تاریخ انگریزی ۱۸ اگست عیسوی ۱۹۱۶

تاریخ شمسی ۱۰ اسد ۱۲۹۵

عید سعید میامن پدید (فطر) این سال فرخ فال  
۱۳۳۴ هجری نبوی صلی الله علیه و آله وسلم را سراج الاخبار  
افغانیه بر همه مومنین و مؤمنات امت ناجیه اسلامیه ز  
صمیم دل مبارکباد میگوید. حفظ وصایات دین مبین مقدس  
را از شر دشمنان آن از بارگاه صمدانی تضرع و نیاز میکند

چشم مقدس اتفاق ملت

چون این يك بدرجه اثبات و تحقیق پیوسته است که جمیع اسباب  
ترقی و مدنیت و فرخندگی و سعادت، و کامیابی و مظفریت، و امن و رفاهیت  
و فیروزی و غالبیت ازین فیوضات اتفاق ترشح و نشأت نموده اند، لهذا  
مقصود ما عنوان مقدس و معظم «اتفاق ملت» عبارت از تقرر و تمکن افکار  
عموم افراد ملت است بر چنان يك نقطه واحد، و يك مرکز کثیر الفوایدی  
که از اینجا بزودی و سهولت وصول و شمول شان بشاهراه ترقی و تمدن  
ممکن و میسر باشد، و آنهم بجز اینکه از همه اول بهر نظم و ایفا و اداره  
و اجرای جمیع امور، و کارهای ضرور خود يك شخصیت فاعل، و يك  
هیئت مختاری انتخاب و اتخاذ نماید، بکلی عديم الامکان و غیر متصور است  
که به مطلب و مرام فایز و نائل گردیده کامیاب شوند. یعنی خیلی يك مسئله  
پراشکال و يك احتمال محال عديم الانحالی است که يك ملتی بی وجود يك  
آمر و متبوع بتواند، آزادی و استقلال ملی، و اوضاع حال و استقبال  
و طنی خویش را حفظ و صیانت نماید. پس مراسم ذی مکارم «چشم  
مقدس اتفاق ملت» که همه ساله بتاريخ دوازدهم سرطان در جمیع ممالک  
محروسة المسالك و وطن عزیز ما افغانستان صائم الله عن الافات و الحسرات  
از طرف عموم ملت نخبه افغان بايك ذوق و مسرت بسیار درخشان،  
و يك حظ ولذت فوق العاده عظیم الشانی اجرا میشود، فی الحقیقت يك

یادگار برشوق و هوس و يك تذکار خیلی بزرگ و مقدس آرزو فیروز  
سعادت اندوز میامن افروزی است که دران همه افغانان عالم نخستین بار  
جمع و فراهم گشته و بیکدیگر صدای اتحاد، و صدای اتفاق در داده از نفس  
خودها بکمال فرحت و رضا، و صدق و صفا يك نفر را برگزیده بر خویش  
پادشاه و اولو الامر مقرر و تعیین نموده همه کان بالاتفاق، بنابر امر و اراده  
حضرت آفریننده خلاق، و قادر علی الاطلاق، باتمام رغبت و اشتیاق  
و قلوب خالی از اتفاق، نطق بحکم حلف و میثاق خدمتش را جست بر میان  
ربط و الحاق نموده، و از غیرت ذاتی و شجاعت فطری خود دوستان را  
یادآوری و اخطار، و دشمنان را تحویف، و انذار فرموده، در مقابل  
همه عالم، و سایر ابرام، خود شانرا بیک از ملل معظم، و اقوام ذی هم قلم  
آورده، استقلال ملی، و حریت قومی خویش را ثابت و مسلم داشتند  
چنانچه درین بار باز برای اعاده و تکرار آرزو فیوضات آثار سعادت  
نثار افغانی، جشن موصوف اتفاق ملی، دوشنبار و زنبوالی، از طرف  
عموم اهالی باتمام فرحت و مسرت، و چراغان و زینت، در زیر سایه  
ترقیاتوایه ذات شوکتیهات پادشاه ترقیخواه مقدس محبوب القلوب ملت  
جليله افغان، و اعلی حضرت سراج المله و الدین امیر حبیب الله خان، و ادام الله  
دولته الی اخیر الدوران بکمال ترتیب و انتظام از قرار ذیل آغاز و انجام یافت  
(مراسم دربار معالی بارچشم مقدس اتفاق ملت)

امسال چون چشم مقدس اتفاق ملت از حسن اتفاق بتاريخ ۲ رمضان  
سعادت فیضان تصادف ورزیده بود، از آنرو از چند روز در همه مردم  
طبعاً يك مراقی درین باب حسن میشد که آیا مراسم بزمکرم این جشن  
بزرگ ملی بچه نهج و صورت انتظام و سرانجام خواهد یافت؟ که بنابران  
روزی چند قبل از تشریف ماه رمضان فیض رسان از طرف جناب ایشیک  
آقایی ملکی که بالخصوص بامور اداره و تنظیمات همچنان دربارهای  
بزرگ جشن ها و عیدها و غیره مأمور میباشد اعلانهای رسمی برای رفع شبهه  
وارد فوق که در خیال عموم مجسم داشت در نقاط مهمه شهر مینویس  
عزیز ما چسبانده و آویزان شده بودند تا اهالی آنرا دیده از ان کیفیت



انعقاد دربار جشن را دانسته و بر طبق آن عمل پیرا گردیده خواطر خود را تطمین و قلوب خود را تسکین دهند . پس بموجب هدایات اعلان مذکور جمیع ارباب مناصب ملکی و عسکری ، و اصناف علما ، و اشراف شهر و اطراف دار السلطنه کابل که بتوسط رقبه های مخصوص و تکتهای خبری دوروز قبل از طرف ابشیک آقا سیدان ملکی و نظامی و سارجن میجر دعوت و اخبار گردیده بودند بساعت ۶ و نیم عصر دوشنبه حاضر سالنخانه عام شده و بعد از توقف ثلث ساعت نمازگاهی که در جن لطافت پیرامن سمت غربی قصر شوکت احتوای دلکشانه و تفریش شده بود برای ادای صلوات مغرب عازم کشته بعد از مرور چار پنج دقیقه که در اثنای راه صرف شد هر صنف بدرستی و انتظام تمام داخل صفهای نماز گردیده ، و باریسمانهای باریک و درازی تسویه و ترتیب صفوف قرار اصول معمول بعمل آمده همه کان برجایهای خود قرار گرفتند . سپس در پتوسهای خوش رنگ ، و ظریف ، لوله های کاغذی رنگارنگ و لطیفی که در هر کدام آن سه سه دانه نقل پیچیده و ملفف بود بر عموم صفوف فی نفر یک لوله ، دولوله بغرض افطار که تعجیل آن از سنن سید الارار است توزیع و تقسیم شد . درین اثناءین هنگامیکه هر کس ، با تمام شوق و هوس تشریف شوکت ردیف ذات قدسیت صفات اعلیحضرت بادشاه معظم و مقدس خود را یک آرزو و امید ، و یک مراق شدید می پرورانید ، از عقب صفوف و از راه سمت شمال نمازگاه ناکه بسواری اسپ صبار رفتار چهره ملاحظه فرحت آثار فرخندگی دثار سعادت نثار شهریار مراحم کردار عطف و شمار ملت نجیبه افغان ، اعلیحضرت سراج المله والدین امیر حبیب الله خان ، صانه الله بالحفظ و الايمان ازدور ظام و نمایان گشته همه کان بنا بر حفظ آداب سلام و وفای مراسم تعظیم و اکرام بر پا خاسته بر عرض و تقدیم تحیات شاهانه و ادعیات ملوکانه پرداخته صف بسته عزت و احترام گردیدند ، ذات مکارم صفات مراحم آیات اعلیحضرت هابون اقدس والا بعد از آنکه عموم صفوف را بهیئت عمودی در اثنای مرور ، ضمناً ملاحظه و عبور فرمودند عنان عزیمت موکب شوکت موهب هابونی را متوازی خطوط صفوف عطف داده در مقابل صف اول عین بر نقطه وسط توقف ورزیده در حالیکه جمیع حضار چهره ملاحظه شهره ملوکانه شازا با کمال ذوق و سرور مشاهده و تماشا می کردند عموم را مخاطب نموده چنین بکلام حکمت انجام ابتدا فرمودند : جشن اتفاق ملت ، جشن خوشی و آزادی افغانستان از درگاه حق سبحانه تعالی همیشه آرزو دارم که این جشن را دائماً بر ما و شما آزادی و شادمانی بگذارند امسال چون جشن مذکور در ماه رمضان افتاد از آرزو مرکزی لاحوال باین خیال بود که سر رشته و انتظام آن بجه اصول کرده خواهد شد ؟ خود من بفکر آن خود خواستن شما را از قرار سابق بده یازده بجه روز هم مناسب ندیدم چرا که در آن صورت بر همه شما درین روزه داری بسیار تکلیف بود که بیهوده و بیکار برجایهای خود می نشینید ، و هر کس در فکر زود گذشتن روز خود سر بزانو افکنده میرفت ، و برخلاف اینهم درست نبود که شما را بکلی نمیخواستم ، لهذا همین وقت عصر را مناسب یافتم که یک جا با هم دیده و افطار کرد ، و هر کس شیرینی خود را گرفته مرخص شود . و امسال اینهم نمیشد که بمانند سالهای سابق همه شما را صنف به صنف مفصل از نظر بگذرانم . چرا که در اثنای چنین روزه داری بسیار سخت و دشوار

مینمود البته برای شما هایک کار سهل و آسانی بود اما برای من سخت تکلیف داشت که تنها یک آدم همه شما را از نظر بگذرانم ، این جشن به همراه امسال دو سال دیگر هم در ماه مبارک رمضان خواهد آمد ، و ناچار این دوروزه که گرفته ام خود من ذاتاً هیچ تکلیفی در آن حس نکرده ام و هوا هم نسبت بخند روز پیشتر قدری سرد شده انشاء الله بر شما هم امید است بصحت و عافیت گذشته باشد ، و از آن زحمتی ندیده باشید . و بالفرض اگر یک تکلیف و مشقتی هم از آن عابر شد باید آنرا بصبر و طاقت مقابله کنیم چرا که بنده هستیم ، و خالق ما را به ادای فرایض خود امر فرموده میباشد که بهر صورتیکه ممکن باشد در بجا آوردن آن حتی الوسع کوشش و ورزیمه درین اثناء چون وقت افطار خیلی قریب بود از آرزو ذات شو کتسمات اعلیحضرت هابون اشرف والا همه کان را به نشستن امر و اجازه نموده و خود هم از بالای اسب شرف نزول فرموده بر مسلاهی امامت مسند آزادی عزت و دیانت گردیده منتظر رسیدن وقت افطار و ادای نماز گشتند ، چنانچه بعد یک وقفه مختصر از بالای تپه بیمار و که موقع انداخت توپ است اول یک دود مسرت اندود و متصل آن یک آواز مهابت اندازا که وقت افطار را اشعار نمود . سامعه نواز گردید که بتا بران هر کس باشیرینی که قبلاً به او داده شده بود روزه خود را باز نموده بتهیه نماز آغاز نهاد و مؤذن هم یک آواز معتدل و متوسط بکمال خوش الحانی اذان گفته و از صف اول هم صدای اقامت بلند گردیده عموم حضار با کمال ذوق و مسر ببادشاه دیانتا کتثناء عطف و مرحمت شعار و بدر ترقیخواه رؤف شفقت کردار خود شان اقتدا ورزیده با حضور قلب و صفای عقیدت یک نماز بسیار با تأثیر و حرارتی بجا آورده شد . بعد چون صلوات انجام و دعا ختم پذیرفت . همه کان جانب عمارت باشوکت سالنخانه عام متوجه کشته ، و بعد از چند دقیقه جمیع علمای عظام و خوانین ذی احترام و اهل مناصب ملکی و عسکری حسب مراتب بر چو کپهای مخصوص و جایهای مناسب خود ها نشستند وضعیت داخلی دالان بزرگ سالنخانه عام چنان یک منظره خوشنمای بازیغت و انتظامی را تشکیل داده بود که زبان از تقدیر ، و قلم از تحسین و وصف و تعریف آن عاجز و قاصر است . جالریهای نفیس و بلورینی که از سقف مزین و زرین دالان آویخته و در آن شمعهای کافوری لطیف و رنگینی افروخته شده بودند بر ظروف و اوانی قیمتدار بسیار زیبا و اعلا بیکه بر میز بزرگ حضور بکمال دقت و اعتنا چیده شده بود عکس انداز و پرتو نثار تجلیات و انوار گردیده زینت و لطافت صوری آنها را دوبالا میساخت . برنده خارجی سمت شمال سالنخانه وزیر آن موقع با صفای خوش هوایی که برای میزها ، و دفتریها و کاریگر های ماشین خانه ها و معلمهای مکتهها و کلانتر ها و غیره تخصیص داشت و در آن هر صنف بکمال درستی و نظام اخذ مقام نموده بود ، باقالیهای زیبا و فرشهای اعلا ، و تحیرهای خوشنمائی تزیین و بالامبهای بزرگ و کرانهای تنویر یافته بود که انسان چون همه آن ترتیبات و تنظیمات ، و چراغان ها و تزیینات را میدید یک حظ و فرحت و ذوق و لذت عظیمی در قلب و دماغ خود حس می نمود .

بعد از وقفه نصف ساعت عین هنگامیکه از صف دادن میز های ناخجوری فراغ کلی حاصل شده بود ، از بیرون سالنخانه آواز دلنوا



ت تکلیف  
رام امسال  
دوروزه  
ام و هوا  
امید است  
رضاکر  
قابله کنیم  
وده میباید  
ن و وزیم  
کشمات  
بازه نموده  
سند آرای  
گشتند  
توب است  
ازا که وقت  
باشیری  
آغاز نهاد  
ذات گفته  
کمال ذوق  
و شفقت  
تقدیر یک  
سلوت انجام  
سلاحخانه  
خوانین ذی  
جو کپسای  
الان بزرگ  
تشکیل داده  
اجز و قاصر  
الان آویخته  
بر ظروف  
بکمال دقت  
ار گردیده  
رجی سمت  
ی میرزاهای  
کلانترها  
اخذ مقام  
شما تزیین  
ن همه آن  
لفظ و فرحت

ن میزهای  
وازدلنوا

بود موجب تقدیر و تحسین و انعام و الطاف های بی دریغ گردید. در شب دوم هم ذات اعلی حضرت باد شاهی و عموم شهزادگان گرامی بعضی دکانهای بسیار با زینت و انتظام بازار ارك را بقدم میمنت لزوم خودشان شرف ساخته، و بیکان بیکان اسبابهای جدید و نفیسی را عمدتاً قیمت های بسیار بلندی خریداری فرموده و ازین اخذ و عطای شاهانه یک سود و منفعت کلی بصاحبان مال راجع و عاید گشته بدینصورت قلوب عموم اهالی را باین وضع مرغوب و لطف و مرحمت عمیم شاهانه شان بخود پروانه وار گرویده و مجلوب ساختند. بعد از ساعت ۳ صبح روز جمعه جمیع مراسم بمرکزم جشن مقدس اتفاق ملت با همه آزادی و فرحت و نشاط و مسرت سپایان رسید فقط.

#### ( کیفیت ختم شریف در تراویح )

بر کنار غربی کول باصفای خوش آب و هوا خیمه ها و سرا پرده های بسیار مزین و اعلا برای ذات اعلی حضرت هایون اقدس والا، و باقی شهزادگان، و اکابر و اعیان سلطنت بکمال اعتنا و دقت برپا گردیده بود، عموم اهل مناصب ملکی و عسکری و علمای عظام، و خوانین ذی احترام، بالباسهای مخصوص شبانه خودشان بایک جمعیت بزرگ رعایای صادق شاهانه که مخصوصاً بتوسط تنکتهای خبری ایشیک آقایی صاحب ملکی دعوت و اخبار گردیده بودند یومیه از تاریخ ۱۰ رمضان سعادت فیضان ساعت ۶ و نیم عصر حاضر چمن و سمت پیرامن گردیده، و از آنجا هر کس بطوع و رغبت خود بکنار ظراوت باز کول لطیف خود شکواری آمده و محصول کشتی سواری را که خیلی ارزان و منفعت آنهم از طرف قرین الشرف اعلی حضرت پدر عمیکار ملت راجع به یتیم خانه است، ادا کرده به عرض تقریر و ترانه جوق، جوق در کشنها و قایقها برای سیر و تماشای عالم آب که عیناً نمونه یکساحت بحری را نشان میداد سوار میشدند، چنانچه تا ساعت ۷ کشتی سواری دوام میبرد، بعد عموم نفری مدعوین در چمن صفامان برای ادای نماز در نمازگاه مخصوصی که در چمن چمن تهیه و اقامه گردیده بود فراهم گشته منتظر رسیدن وقت نماز و شنیدن توب افطار می نشینند، درین اثنا بر جمیع حاضرین یک شیرینی مختصری که تنها افطار را کفایت کند نیز تقسیم می شد. چون بعد از سرور دقیقه چند از ساعت ۷ توب افطار با عالم عالم فرحت و مسرت بایک آواز دلنوازی طنین انداز میکردید هر کس روزه خود را باز کرده به ادای نماز تنه و آغاز مینهاد. بعد از فراغ نماز و دعا عموم نفری بدو مجلس بزرگ منقسم میگشت چنانچه اول آن عبارت از مجلس خصوصی حضور هایونی بود، که دران ارباب مناصب ملکی و عسکری و علما و خوانین دربار اشراك داشتند، و بالای جو کپسای اعلا و میزهای زیبا در چمن چمن باصفا صورت و تشکیل یافته بود، و مجلس دوم مقدار مسافتی دور تر از مجلس اول مجلسی بود که به نفری رعایا تخصیص داشت و باقالینها و فرشهای بسیار نرم و رنگینی بایک مسافت درازی تفریش و تزیین شده بود ساعت ۷ به آوردن و صف دادن میزها، و گسترده خوانهای بسیار بزرگ بهنا که بر هر کدام آنها انواع طعامها و میوها بکمال اعتنا جیده شده بودند ابتدا میشد، و ناھنگامیکه از ادای نماز یک فراغت عمومی دست میداد ظروف طعام با تمام ترتیب و انتظام در هر دو مجلس آماده و مهیا میگشت، چنانچه پس از فریضه سلوت هر کس

موزیکه عسکری که سلامی بزرگ شاهانه را نواخت، و ورود مسعود هایونی را بر همه کان اعلان و اخبار نمود ذات اعلی حضرت بادشاه معظم محبوب القلوب مقدس ما از در واره سمت غربی با کمال شوکت و احتشام به عینت شاهزادگان عظام داخل دالان سلاحخانه عام گردیده عموم حضار برای ادای سلام صف بسته عزت و احترام گشتند ذات اعلی حضرت هایونی بعد از آنکه در مقابل میز مخصوص ناخوردی شاهانه شان تمام عرض و شکوه جلوس فرمودند همگنانرا به نشستن و صرف طعام امر و اجازت داده بیک نان خوردن عمومی مسئولیت حاصل شد بر هر میز انواع میوه های تازه و اطعمه لذیذه حاضر گردیده بود بعد از انقضای یک ساعت که در آشتای طعام و جای نوشی سرور نمود، به آوردن دستمالهای شیرینی ابتدا ورزیده شد، تا به نصف ساعت دیگر هم تقسیم و توزیع شیرینی دولم ورزید. و اخیراً ساعت ۱۰ چون طبعاً یک فراغت و فرصت عمومی دست داده بود ذات اعلی حضرت هایونی همه کان را رحلت عودت عطا فرموده پس از آنکه موزیکه در خارج سلاحخانه با کمال هیبت سلامی آخری بادشاهی را نواخت هر کس بسمت عزیمت خود متوجه گشته بدینطریق مراسم در بار فرحت با سلاحخانه عام با تمام ترتیب و انتظام انجام و اختتام یافت. در شب دوم جمیع ارباب مناصب ملکی و عسکری و علمای عظام و خوانین ذی احترام بالباسهای مخصوص درباری شان به چمن و سمت پیرامن قصر عالی حضرت استور دعوت شده بودند، و وضیعت موقع خیلی زیبا، و هوش ربا یک منظره را تشکیل داده بود هر طرف با چراغانها و زینتهای بسیار منکفی تنور و تزئین یافته بود. همه شب بعد از فراغ طعام افطار تا به وقت سحری موزیکه ها نغمه های بسیار لطیف دلنواز، و سرود های ذوق آور نشاط اندازی می سر میزدند بعد از طعام سحری و توب صبح جمیع حاضرین را از طرف قرین الشرف هایونی رخصت عودت. و اجازه عزیمت عطا و مرحمت گردیده پس از آنکه سلام آخری ذات ملوکانه از طرف محوم بجای آورده شد هر کس بسمت مقصود خود حازم و متوجه گشته بدینطریق با کمال فرحت و سرور، ولذت و حبور مراسم مجلس لیله مبارکه دوم جشن که رسماً در چمن صفا پیرامن قصر سعادت حضرت استور ترتیب و انعقاد یافته بود ختام و انجام پذیرفت.

§

#### ( آذین و شهر آئین )

برای شهای نجشبه و جمعه بموم دکاندارهای همه بازارهای شهر عزیز مینوهرما از طرف دایره بلدیہ خبریک آذین و تزیین عمومی بازارها تبلیغ گردیده بود که بنا بران از ابتدای روز چهارشنبه هر کس با راستن و زینت دادن دکان خود بکمال جدیت اشتغال ورزیده تا بوقت عصر روز مذکور همه بازارهای دارالسلطنه با طنطنه کابل را یک مسرت و تازگی، و یک نشاط و فرخندگی فوق العاده احاطه و استیلا نموده عوام الناس جوق جوق دیده میشدند که در مقابل هر دکان برای تماشای قطعه های تساویریکه از جبهه دکان آویخته شده بودند ایستاده در تصورات زینت و رونق آن سراسر محو و مستغرق بودند. در شب اول ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت بادشاه ترقیخواه رعیت پرور و پدر خیرخواه عاطفت گستر ملت با عموم شهزادگان عظام که بهر کانی هایونی شاهانه شان معیت داشتند بسواری موثر همه بازارها را سیر و تماشای فرموده و هر دکانداری که دکان خود را نسبتاً به تکلیفات و تزیینات زیادی آراسته



بجای مخصوص و معین خود متوجه گشته در پیشروی خود بلا سد و مانعی  
خوان نوال بادشاهی را مانند مائده آسمانی تیار و گسترده دیده بکمال  
آزادی به صرف آن مشغول میشد ، تا به ساعت ۸ و نیم از طعام و جای  
و همه لوازم يك فراغ کلی حاصل گردیده ، بعد هر يك به تبه وضو نماز  
پرداخته به ساعت ۹ پس از آنکه جمیع نفری نماز گذاران در نمازگاه  
جمع و فراهم آمده ترتیب و تسویه صفوف انتظام می یافت ، توپ کوچکی  
که در محن مسجد معالی پایگاه عیدگاه نهاده شده بود بکمال شدت صدا  
برآورده رسیدن وقت نماز را بر همه کان اخبار و اعلان مینمود ، که  
بنابر آن ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت بادشاه دینت اکتفاء معظم  
محبوب القلوب بسیار مقدس ماباهمه شهزاد کان عظام و غیره نفری هم  
رکاب شاهانه شان بسواری موثر از جن تانمازگاه تشریف فرمای  
عز و اجلال گردیده بایک شان و شوکت بی اندازه ، و یک ذوق و مسرت  
فوق العاده به ادای ضلوة قیام و نیات ورزیده میشد وضعیت ادای  
نماز خیلی بر جوش ، و حالب فکر و هوش يك منظره را تشکیل  
میداد ، صداهای بلند بر تأثیر تکبیر مکیبران ، و سکوت صومی  
سامعان ، و بر توشازی ضیاء و الوار چراغهای کیس بسیار سفید  
و درخشان ، و خوش آوازی و فصاحت طرازی جناب حافظ جید خوش  
الحن ، و متانت و عظمت الفاظ کلمات حضرت قرآن عظیم الشان هر يك  
بر قلب و حسواس چندان تأثیرات بحد و بقیاس اجرا مینمود که اندکان  
در مقابل قدرت و کبریا ، و جلال و جبروت ذات مالک الملك و الملکوت ،  
واله و مبهوت می گشت ، بعد از هر چهار رکعت در آستانای توقی که در هر  
نوبت لازم میشد کسانی که نشسته و یا بوضوی لازم محتاج میبودند به آیدامهای  
برنج ، و جانی های آب سرد که به هر طرف نصب شده بودند مراجعت  
کرده دفع تشنگی و غیره لوازم خود مینمودند ، و هر شب بهمین تہج  
و اصول تا به ساعت ۱۱ صلوات تراویح دوام میورزید ، تا به شب هفدهم نوبت  
ختم شریف کلام حضرت ملک الانعام در رسید ، چنانچه بوقت عصر  
روز شانزدهم اگر کسی بقرار عادت برای کشتی سواری و تماشاجانب  
چمن متوجه میشد ، برخلاف ایام سابق دفعاً در وضعیت کنارهای  
کول يك تبدل و انقلاب عظیمی ملاحظه میکرد ، یعنی تقریباً قسم کلی  
خیمه ها و تیر ابرده هائی را که قبل ازین بر ساحل غربی کول دیده بود  
سراسر نابود ، و بموضع آن بسمت شرقی کول اشکال بعضی درختها  
و سروهای آتش بازی را ایستاده و برپا می یافت . در شب هفدهم بعد  
از آنکه از ختم شریف و تقسیم شیرینی متبرک آن فراغ حاصل شد به ساعت  
۱۰ عموم نفری حضار ختم ، و غیره اهالی شهر شهر عزیز ما که تقریباً  
هفت ، هشت هزار نفر میشدند برای تماشای آتش بازی عازم سمت  
کول گردیده از یکسر تا دیگر بر ساحل آنرا احاطه نمودند . و بمجرد  
یکه ذات اعلی حضرت هابون اشرف اعلا بسواری موثر از مسجد عیدگاه  
موقی که بر کنار غربی کول با چوکها ، آراسته و برای نفری مجلس  
خصوصی حضور شاهانه تهیه شده بود تشریف فرمای شوکت و اجلال  
گشتند به افروختن آتش بازیها ابتدا ورزیده شد ، از همه اول صدای  
توپ کلرز هوائی که نوعی از آتش بازی است شروع شدن تماشای عموم  
اعلان نمود . مہبازی که این کلرز هوائی صدا میکرد تا ۲۰ ، ۳۰ متر

عموداً بطرف سہا يك خط آتشی کشیده و باز بر یکحد مخصوصی کفیده  
از آن کلهای آتشی سرخ و سبز بسیار خوش رنگی مانند ستاره ها بر زمین  
میرینت سپس متصلاً به افروختن اقسام چرخها و دروازه ها ، و درختها  
و سروهای آتش بازی که هر کدام ان در آب ساکن و بیوج کول منظره  
های بس لطیف و زیبائی را تشکیل میداد آغاز شد . از یکسو مہتاب  
نیز که بوسط طوع شروع نموده بود از عکس ضیای خود که در آب صفا  
تاب کول انداخت يك ستون براق و تابناک سیعینی غرباً ، شرقاً از يك  
سرتادیکر سر کول بوجود آورده رونق و لطافت موقع و تماشای دوبالا  
ساخت . همدین اثنا ذات اعلی حضرت هابون والاباهمه شهزاد کان عالی  
تبار ، و اکثر نفری معزز دربار برای سیر و تماشای منظره کول  
طراوت بار که از روشنی و رنگینی چراغان آتش بازی يك جلوه خیلی عجیب  
و غیرتی را بنظر تجسم میداد بقیاتھا و کشتی های مخصوص خود شان  
سوار شده در وسط کول رانند . و آتش بازی ، تا یک ساعت کامل  
دوام ورزیده به ساعت ۱۱ بعد از آنکه خورق آتشی لوحه شب شما  
خوش و در پیش نظر عموم ظاہر گشت تماشای آتش بازی به اشیام رسید  
بعد از اتمام تماشای ذات اعلی حضرت هابونی باهمه شهزاد کان ، و نفری  
مہبت رکاب شاهانه شان بسواری عراہمائی موثر از جن عزیمت فرموده  
و باقی تماشا کنندگان نیز اعتماد مجبور گشته بدینصورت مراسم با احتشام  
مقدس ختم شریف با کمال عزت و احترام و ترتیب و انتظام انجام و اختتام  
پذیرفت .



بنام خدای بسیار رحمت گننده و بسیار مہربان آغاز میکنم -  
در آغاز هر کار یاد کردن نام خدا موجب برکت است - الله نام آن ذات  
باله است که موجود بوجود خود است - و بوجود جمیع کائنات و بقای  
آنها وابسته و قائم بوجود او - رحمت لغت عبارت است از میل نفسانی  
که رأفت روح و رقت قلب باشد - و این کیفیت نفسانی مصدر خیر و خوبی  
مینماید - پس الرحمن و الرحیم هر دو دلالت کنند بر آن عنایت عامه الهی  
که شامل است بر جمیع کائنات و از لطف خاص نامتناهی که مخصوص است  
بر يك از اجزای انواع و اشخاص مخلوقات - خدا رحمن است یعنی لطف  
کلی او همه ذرات عالم محیط است - و رحیم است - یعنی عنایت خاصه او  
بر جنس و نوع و شخص بطور خاص متعلق شده - مثلاً صفت رحانیت  
او همه اجرام علویہ و اجسام سفلیہ و ارواح و انفس را بوجود آورده  
و بنظام محکم همه را با هم مرتبط داشته - و صفت رحیمیت او هر نوع را  
بطور مخصوص امتیاز بخشیده - مثلاً جمادات و نباتات و حیوانات و غیرها  
هر يك ظهوری خاص دارد - و میتوان گفتن که جاذبه کلی که همه عوالم  
ساری است مظهر رحانیت ایزد باله است - و جاذبه خصوصی که مثلاً  
نظام شمسی ما را برپا داشته است گوشتا نمونه رحیمیت او است - پس  
رحمت مرادف آن قوت مکنونه است که نظام کائنات و دوام جمعیت اشرف  
المخلوقات با او وابسته است .

از لحاظ  
فلاح نوع  
بر حال  
منور و  
عامه و  
حسب من  
( هر کار  
و خوبی  
بقای جمع  
از لحاظ  
فلاح نوع  
بر حال  
منور و  
عامه و  
حسب من  
( هر کار  
و خوبی  
بقای جمع



خیر القرون اسلامی همین حسیات رحمت و رأفت بود که وحشیان صحرا گرد جزیره العرب را دارای بهترین حصه های دنیا ساخته مشعل بردار تمدن حقیقی کرده بود - و درین عصر ترقیات هوش رها هم در بلاد غربیه از یورپ و آمریکا همین حس مرحمت و شفقت انسانی است که همه افراد ملت را بر یور علم و هنر آراسته ترقی تمدن را باوج رفعت رسانده است از جمله مظاهر رحمت انسانی در بلاد غربیه اجرای قوانین سخت در همه طبقات ملت است یعنی بنای راهها و خانها و شهرها و باغها و صفائی آنها حسب قانون سخت - و بنای شفاخانها برای خواص و عوام - و همچنین بنای کتب خانها در شهرها و قریه ها برای عاریت دادن کتبهای تاریخی و اخلاقی

از لحاظ دینی از رحمت خدا مراد است بعثت انبیا و ازال کتب برای فلاح نوع بشر بدون تفاوت قبائل و اقوام - و از رحمت اولطف فرمودن بر حال کسانی که هدایت را قبول کردند و بحسن اخلاق ذوات خویش را منور و مزین نموده در تحصیل فضائل کوی سبقت ربودند - ذکر رحمت عامه و شفقت خاصه باری تعالی هنگام آغاز کردن هر یک بزرگ و خورد حسب منطوق حدیث شریفه کل امری بال لم یبدأ بسم الله فهو ابره ( هر کار دنی شان که به بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرده نشود از خیر و خوبی عاری میباشد ) تلقین این اصل عظیم است که بدون مرحمت با همی بقای جمعیت انسانی و ترقی تمدن و تقدم معارف و مصالح صورت نمیدهد - در



از منظره های عید سعید

انتظار تشریف سعادت ردیف ذات شوکت سادات اعلی حضرت هیاونی در محفل جامع فیوضات لامع عید کام

قوم و عوام خلایق دائماً در حالت خوب دارند - و رابعاً واعظان دین و کتبهای محسن اخلاق و رسائل علمی و روزنامهها به بنیان میدهند تا ایشان از صحبت نیک و احوال مساعد از کرده خود پشیمان شده قلب خود را تبدیل نمایند - و هنگام اختتام میعاد حبس کوشیا از مادر نوزاده در جمعیت انسانی پاک در آیند - برای نوجوانان خطاکار که مرتکب اصاحت زر اینکها و غیره هنگام ضعف کم عمری شده باشند اصلاح مانها دارند آنجا چیزی نیست که منافعی شرف نفس باشد - برای درستی اخلاق چنین نوعر بنیان مساعی شدید بعمل می آرند - و خبر اصلاح ایشان مردم

و غیرها عوام - و بنای خانها برای یران و یتیم و یتیم و کوران و معذورین هر قسم - و اداره آنها بشوئی که کدا کری از ملت کم شده و بنای مدارس فنی و صناعیه برای تعلیم اولاد فقرا و مساکین - خصوصاً حسن اداره زندانها که حقیقتاً مجر عقول است - اولاً مجرمین و محبوسین را در عراهای بسته از جانی بجائی میبرند تا حیای فطری از بندیان زائل نشود ثانیاً قاتلین و مرتکبین جنایات کبیره را از مجرمین جرمهای صغیره جدا جدا و علی تفاوت درجات جنایات در زندانهای علیحده می نهند - و ثالثاً انتظام خور و نوش و صحبت بنیان را از رفتیش نظامی و ارباب معطوبات و بزرگان

صنی کفیده  
ها بر زمین  
و درختها  
کول منظره  
شو مهتاب  
در آب صفا  
شرقاً از یک  
شارا دوبالا  
راد کان عالی  
کول منظره  
و فخری عجب  
خود شان  
اعت کامل  
شب شما  
انجام رسید  
ن و فخری  
بعث فرموده  
م با احتشام  
انجام و اختتام  
[من]



میکنم -  
نام آزاد  
نات و بقای  
میل نفسانی  
خیر و خوبی  
ت عامه الهی  
صوص است  
ت یعنی لطف  
یت خاصه او  
فت رحمت  
بود آورده  
را نوع را  
نات و غیرها  
که همه عوام  
نی که مثلاً  
ت - پس  
عیت اشرف



خدمت بزرگان دولت میرسد - و وقتی که یقین شد که خطا کار از کار خود نادم شده نیک سیرت کردید - اورا بجائی نوبت منصب لایق تعیین کنند - و بزرگواران از انابت من الذنب کن لا ذنب له کافر موده اورا مانند مردم معصوم در معاشرت قبول میکنند - این معامله مرحمت و شفقت با سیران خصوصاً در ممالک متحده امریکائیان از حیثیات ذیل است - نخستین انسان امروء المخلوقات است و در افرینش بیگناه پیدا شده - البته صدور جرم از اسباب خارجی بوده است - شرط عقل است که تبدیل احوال و اسباب نموده و مراسم اصلاح بعمل آورده کم کشته راه راه راست در آید - و گران مایه جوهر انسانی را بغفلت ضایع نکنند -

سنی بچند سال شود لعل یارده: ز نهار تا بیک نفسش نشکنی بسنگ - دومین از جمله فرائض ملت یکی این است که در تربیت اخلاقی و تهذیب روحانی افراد به قدر وسع بکوشد - اگر قصوری در اخلاق افراد راه یابد البته حصه آن قصور بملت هم عائد میشود پس لازم آمد که در باب مجرمین ملت تلاقی مافات نموده باصلاح ایشان بکوشد - سومین در هر انسان حسن وجدانی موجود است - تا زمانی که انسان قاضی القلب کایه نشود - امید اصلاح ابدی است - پس چرا کوشش را دریغ داشته باشند - این امر موکداً اسلامی را نصاری امتثال نموده نائل به عدت دنیوی شده اند و مسلمانان کوئیا این مرحمت و شفقت باهمی را فراموش کرده اند !!



کذا

تشریف ذات اعلی حضرت بادشاه دیانت آگاه دولت مستقله افغانستان به مصلای

توبه کردن عاصیان از گناههای خویش و رجوع ایشان بجناب باری تعالی و محو شدن خطاهای شان هنگام ندامت حقیقی یکی از رکن اعظم اسلام است که مبنی است بر رحمت محض ایزدی - و از اینجا است که ذکر کردن رحمت و رحیمیت خدا در ابتدای هر کار تشویق است بگناه کاران بتوبه و انابت الی الله - و اصل مقصود از دین الهی بک کردن مردم است از کندی سیئات و تزئین ایشان باعمال صالحات - تا همه قبائل بشریه بک عالمه رحمانیه گردند و همه کرة الارض بک دارالامن و رحیمیه شود - حضرت مسیح علیه السلام در انجیل رحمت خدا و شفقت او بر حال توبه کنندگان از گناههای خویش و باز آیدگان بدرگاه الهی از گرامی

بیان فرموده داد فصاحت و بلاغت داده است خلاصه اش این است :- وقتی که يك كوسند از كله صد كوسند در بیابان کم میشود - چو بان همه كله نود و نه را گذاشته در بی آن يك كم شده در بیابان بگردد و بکمال مشقت و جستجو آنرا باز یافته به پشت خود بر میدارد و بخانه بازگشته در میان همسایگان خود شادمانی میکند و میگوید که من کم گشته كوسند خویش باز یافته - بیا شد و بامن شادمانی کنید یقین بدانید که چون گناهکاری برایشان روزگار اند کرده خود بشپان شده بسوی پرور دگر خویش باز گردد - در میان کروبیان آسمانی بر توبه آن يك گناهکار زیاده نرساند مانی میباشد که بر تقوای نود و نه متقیان که احتیاج بتوبه ندارند -



یا هنگامیکه پیرمزدی از ده باره های نقره يك مسكوك نقرئی خویش را در شب كم میکند او چراغ را روشن کرده در همه زوایا و خجایای خانه تلاش میکند - و در آخر آبراه از دریافته با حجاب اظهار شادمانی مینماید و میگوید بپایید و بامن شادمانی کنید که من پول كم شده خویش را باز یافتم - بیشك چون گمراهی بخدای يك توبه كند - ایزد تعالی از باز آمدن او از آن پیره زن شادمان تر شود - يك صاحب ثروت و دولت دو فرزند داشت - كوچكترین ایشان بپدر گفت كه حصه مرا از مال و منال بمن بده - پدر حق او را باو داد - او همه مال خویش را در اندك زمان در عیش و نشاط و نغمه و سرور - و شراب و كباب و زنان رقاصه و نديغان قمار باز يك در باخت - و محتاج نان شبينه شده از جای بجای ريشان كشته بخانه كنایمی پناه گیرید - و نيكمپانی كه خوكهارا پيشه گرفت - و از پس مانده خوراك خوگها شكم پر كرد - زمانی برین پندوای وزارت و ذلت و خواری گذشت - روزی این خاطر بدل او در آمد - كه پدر من مال و دولت دنیا است و از خجوان نعمت او عالمی بر میخورد - و هنوز به ثروت او از فراوانی زیانی نمیبرد - پس من چرا خود را درین فاقه و پندوای هلاك كنم ؟ باید كه پیش پدر خودم بروم و بگویم - كه ای پدر من نافرمانی تو كردم و عسبان بخدای عزوجل نمودم - من سزاوار فرزندى تو نیستم - مرا بجای یکی از نوكران خود قبول كن - پس او ایستاده شد و بسوی پدر خویش روان گشت هنوز او دور بود كه پدر او او را دید و رحمت و شفقت او بخوش آمد - دیده او را به بغل گرفت و روی او بگردش نهاد و ببوسید - و با وجود اظهار ناقابلیت از پسر پدر او را بمقام فرستاد - خلعت نوید برش كرد - و خاقی بانكشت او نهاد - و يك قریه كوساله بقدم فرزند ذبح کرده ضیافتی بر تكلف درست نمود چون پسر بزرگ كه در گشت زار بود آواز موسیقی و رقص شنید از خادم رسید - او جواب داد كه برادر تو باز آمده است و پدر تو شادى قدوم او صحیح و سالم كوساله قریه را كشته ضیافت درست کرده است - او بخشم در آمد و بخانه دزئوف - پدرش بیرون آمده دلجوئی كرد - پسر بزرگ بجواب گفت كه من در پیش ساللهای دراز خدمت تو كردم و هیچگاه از فرمان تو سر مو انحرافی نوردیدم - و تو مرا هیچكاميك رمه كوچك هم ندادی كه بادوستان خودم جشن آراسته شادمانی كنم - ولیكن بمجربكه این پسر تو كه مال و دولت ترا در صحبت زنان فاحشه ضائع كرد باز آمد تو برای او كوساله قریه را ذبح كردی - پدر جواب داد - پسر - اتو همیشه بامن هستی و هر چه كه من دارم همه ملك تست - اما اكنون سزا است كه جشن آراسته كنیم و شادمانی نمایم - زیرا كه این برادر تو مرده بود اكنون باز زنده شد - و كم شده بود - و باز یافته شد -

جناب مسیح علیه السلام درین تمثیلات سه حالت تمدن را بیان فرموده است یعنی در ابتدای تشكیل هیئت انسانی كه هنوز مردم خانه بدوش باشند - همه مال و دولت ایشان منحصر بخواشی از كوسفند و كاو و شتر میباشد - و وقتیکه مردم بقریه و شهر اقامت كردن عادت گرفتند - و زر و سیم ذریعه تبدیل اشیا كردید - لامحاله تعلق قلب بسیم و زر میباشد اما مردم طبقه اعلی كه بسیم و زر مائل نیستند - محبت ایشان با اولاد خود فطری است - درین مرحله صورت مرحمت جلی و محبت انسانی حسب قانون فطری عادى كاملاً بیان کرده شد كویا هر مثال يك صنف رحمت

انسانی را مظهری واقع شده است - و مقصود عیسی علیه السلام این است كه مرحمت و شفقت ایزدی خود در طلب گم گشتگان می رود - و هنگامیکه گمراهان را هدایت می دهد آیند شادمانی ملائع اعلی از شادمانی انسانی زیاده تر میباشد - اما جناب سید نولاك صلی الله علیه و سلم تمثیلی بیان فرموده است كه شادمانی باری تعالی بر ایاقین گم گشته از شادمانی انسانی فوق العاده هم زیاده تر میباشد مفهوم تمثیل حضرت رسول كريم علیه السلام چنین است - : مسافری در بیابان بی آب و در یكستان دور و دراز همه اسباب خوردنی و نوشیدنی را شتر خود بار کرده قطع مسافت مینمود - وقت نیمروز تاب شدت آفتاب نیاورده در سایه سنگ بزرگ كه از حسن اتفاق در قاف بجزا نمودار گشت برای استراحت فرود آمد و سنگی را بالین ساخته بر زمین پائی خویش دراز گشت - از ماندگی زود خوابش برد - اما مهر از شتر را بدست خود استوار گرفته بود قدری از زمان در خواب نوشین گذشت - و وقتیكه بیدار شد - دید كه شترش رفته است - در حالت ریشانی بخواستجوی او هر سو دوید - اما هیچ نشانی نیافت - عاقبه الامر خسته و سر اسینه خاطر بجای خواب خود باز آمد و دل بر هلاك نهاده همان جا باز بخواب رفت - پس از زمانی باز بیدار شد چون چشم كشاد - دید كه شترش بسوی او دووان می آید از ملاحظه این امر عجیب و غریب چنان شاد و خرم شد كه از فرط سرور دمی از خود دور گشت و در آن حالت بهوشی زبان به ثنا و صفت باری تعالی كشاد و گفتن گرفت -

الهی انت عبدی و انار بك - (ای خدای من تو بنده من هستی و من بروردگار تو هستم) و در حالت محویت این گلات را بار بار بر زبان میراند و كن می كند كه او از خلوص دل ربوبیت خدای يك اقرار مینماید جناب سرور كائنات علیه الف تحیات میفرماید كه هر كه گناهكارى از آرام دور افتاده تائب شده بر كار ایزد تعالی باز پس می آید شادمانی خدای يك باز آمدن آن بنده كم گشته زیاده تر از آن است كه آن مسافر بیابانی بر باز یافتن شتر كم گشته خود کرده بود و از فرط شادمانی بجای الهی انت رنى و اناعبدك - او قضا را برعكس کرده - الهی انت عبدی و انا ربك گفته بود ؟

از جمله صفات رحمت را بر گردن - و صیغه عام یعنی رحمت راقدم و صیغه خاص یعنی رحمت راقدم و خرد داشتن و این مردود صفت رحمت را با اسم ذات متهم کرده بار بار زبان زد هر مسلمان گردانیدن اشارت است باین امر جلیل كه بعثت محمدی بالخصوص مظهر و ان رحمتی غلبت غصبه واقع شده است - و تخلف با خلاق الله شیوه اسلامی است - برای تتبع بر حمایت ایزد ذوالجلال این فرمان وارد شده است - و الراحمون بر حمت الرحمن تبارك و تعالی - و ارحموا من فی الارض بر حمت من فی السماء (كسانیکه رحم میکنند - بر ایشان رحمت تبارك و تعالی رحم میکند - رحم بكنید بر آنانكه بر زمین اند - آنكه در آسمان است بر شما رحم خواهد كرد) - این رحمت رحمتی عام است همه افراد نوع بشر خصوصیت باسلام ندارد - حتی كه شامل است بدی روح حیات هم - چنانكه فرموده است - و فی كل ذی كبده رطبه اجره (نیكوترین باهران جانور كه جگر تر دارد كردن موجب اجر است) و ظهور صفت رحیمیت در مسلمانان چنان بوقوع پیوسته - و اشد اعلی الكفار رحما بهم - باهم شفیق و مهربان اخوان صفت اطوارشان - : در رزم چون شیرزیان در رزم زیب انجمن -



( سیاحت )

« سرمه از فیض سفر ماه بهش کردید »

« صیقل تبرکی بخت جلای وطن است »

برسیر کثان سخاوت لطایف مطبوعات جدید ، و تماشا بینان صفحات آثار غریبه قدیم پوشیده نیست ، که در زمرة اسباب و علل ترقی و تعالی دول و ملل مختلفه سیاحت يك موقع پس مهمی را جایز است .

« سیاحت » از ادوة بصری ، افراط معلومات نظری ، موجب حصول مسرت و تحصیل فرحت ، منشا فکر و غیرت است و ماخذ پند و عبرت . استفاده از نعم خداوندی کار با خردان است و بهیچ کذاشتن مخلوقات آن مبدع حکیم ، پدیده جاهلان و تنبلان و بکنوع کفران .

دایره بصارت را وسعت دادن ، و دایما افق های جدید پیدا کردن آب های مختلف مزه چشیدن ، و هواهای متنوع تنفس کردن ، بر کوه ها دریاها ، وادی های غیر مؤلفه گذر کردن ، زمین های مغایر یکدیگر دیدن ، تبدلات کونا کون ، از قبیل فلك و کثرت ، و شکل و صورت مزه و خاصیت محصولات زمینی ، معاينه کردن و تغییرات کثیره در احوالات اقوام غیر موافق مشاهده نمودن ، خواهش فطری و احتیاج طبیعی انسانی است .

آیا دقت فرموده اید ! که فرق ظاهری و تمیز اولین درجا و ثنات با حیوان همین حرکت است و پس . پس هر قدر دایره گشتن و سیاحت کردن را توسعه و تمديد دهید زیاده تر از جساد و ثنات خود را دورتر کرده خواهید بود .

باز هم اگر سیاحت خود را فقط بقطع کردن مسافه های بعیده حصر سازید ، در شما و بك مرغ تیز پر ، در شما و بك ذیل بار بر ، در شما و بك ریح عاصف صرصر هیچ فرقی نخواهد بود . فیانی ! بلکه هر کدام آنها نسبت بشو سربلتر و توانا تر است .

پس لازم است که در سیاحت ها بادیله باز حکمت و بصیرت ، و سمع گوش بر آواز غیرت و عبرت راه بروید ، بجای آنکه افکار ناآرامی در معاينه بوقلمونی مناظر طبیعی صرف نمائید ، بر احوالات مختلفه اقوام غیر مؤلفه خوض و امعان کنید . اوضاع و اطوار آنها را دیده با حال ترقی ، و تزل شان تطبیق داده عبرت بگیرید .

این گونه سیاحت ها الزم و مفیدترین سیاحت ها است ، موجب ترقی باعث اصلاح ، سبب فلاح است .

به بینید ! که دین مبین اسلام اینگونه سیاحت را بر پیروان خود ایضاح و قرآن عظیم الشان در جاهای متعدد ، سیری الارض را امر کرده است . نعوذ

« فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة الظالمین »

عبرت از احوال اقوام عالم و وظیفه دینی مسلمانان است ولی هزار

افسوس که مامسمانان بطرف آن خیلی کم توجه کرده ایم

جغرافیا و تاریخ که لب لباب سیاحت های عجیب و غریب عتیق و جدید است ، انسانرا در خانه از احوالات عالم و اوضاع و اطوار بی آدم اخبار می کند ، فایده سیاحت که عبرت است از ان کاملتر بدست می آید ولی

خدای يك محض از مرحمت و شفقت خود بی الرحمة رامبعوث فرمود - و حسب وعده يك خود که در تورات و زبور و فرقان کرده بود امت مرحومه محمدیه را وارث بهترین حصه کرة الارض هم کرد اما صدحیف که مسلمانان در ایام عظمت و شوکت خود زود نه تنها پیروی بر حمایت ایزد منان را فراموش نمودند - بلکه در خانه جنگی مبتلا شده و بوضع حکمت بنیاد « سیاب المومن فسوق و قتاله کفره » دشنام دادن مرمومن را کنایه است بزرگ و جنگ کردن با او کفر است ، هیچ ملتفت نشده عالم سلامی را که از فیضان چند صد ساله تمدن و تنور نمونه فردوس برین بر روی زمین بود ماتم کده ساختند و عقول عالیها را که ثمره طینه آبیاری باغبان شریعت غرابودند به بیرحمی نیست و نابود نموده خثالة الناس را بدارائی ممالك و اسعه گذاشتند چون رحیمیت نیز از ایشان زائل شده شیرازه جمعیت اسلامی از هم کسبخت . اقوام نصرانی که در قرون اخیر مرحمت و شفقت انسانی را در میان قبائل خودشان دستور العمل معاشرت ساخته بودند . ممالک اسلامیها را بیغما گرفتند - تا در زمان ماذلت اسلام بغایت رسید - و نزدیک بود که باد صرصر حمله اعدا چراغ کورستان اسلامی را هم خاموش کند - رحمت ایزدی بجوش آمد - و قومی را که همه عالم بمرکب فتوی داده بود از زاویه خول بمنصه ظهور آورد . و مانند اسلامیان قرون اولی بصفت عالیه از ایمان خالص و قلب صافی و همت قوی و اراده راسخ و فداکاری جان و مال بر دین و ملت و مرحمت و شفقت بر علمایان متحلی ساخته ایشان را از همه عالم برای دستگیری اسلام گردید - در حق ایشان این آیت کریمه صادق شد فسوف یائی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذلة علی المؤمنین و اعزته علی الکافرین ( عنقریب خدا قومی را یار دارد که او ایشانرا دوست دارد و ایشان او را دوست دارند - ایشان بمومنین بتواضع و مرحمت پیش می آیند و بدشمنان دین و دولت شدت و شرف نفس مینمایند هر مسلمانی و از هر کجا که امروز بقسطنطنیه برود - در قوم و دولت ترك که سینه را از شش صد سال با بنظر طرف بمقابله مهاجمات نصرا را سپر کرده مردانه در حفظ شرف اسلام جان و مال را فدا میکنند يك نمونه اخوت اسلامی حقیقی خواهد دید - و قتیکه ایشان بر مردم فتنه و فساد و بغض و عناد دست یافتند . از روی مرحمت و شفقت هم جنایت پیشه بدکاران را که در مدت سی و سه سال يك عالمی را زیر و زبر کرده بودند عفی الله عما سلف - گفته فرصتی برای اصلاح اخلاق و تهذیب نفوس دادند . برای احیای ملت ابواب علوم و فنون حقیقی بروی هر که و مه کشادند . نظام مالی را از غبن و خیانت يك نمودند . و در تهیه قوت عسکری حسب تازه ترین اصول هیچ دقیقه از دقائق فرو نگذاشتند . اعمال ایشان از اقوال دیگران ناطق تراست و نیز قوم و دولت افغانستان که دولت مستقلة اسلامیها است امید کاه مسلمانان است . از جوانمردی این ملت اسلام دریانده بسیار امیدها دارد . فبارحم و بارحم . کثر امثالهم و وفقهم بالظفر المبین و بارک فی اعمالهم . واجمع شمل المسلمین بهم و اصلح بالهم - فانت عجیب الداعین و انت ارحم الراحمین کابل . ششم رمضان المبارک ۱۳۳۴ هجری محمد برکت الله





مأمورانها آنها را علوم فرنگستان گفته خود را از تشبه بایشان نگاه میداریم ، و در معانی و کنایات قرآن مجید دقت کرد تا آنکه نامیدیم ، ... نام ریشه کلام از دست نرود بجز از توجیهات مسلمانان سلف به این اسم مفید جلیل یعنی سیاحت کنی بحث رانده بیکانگی این عنوان را از خاطرهای قارئین کرام دور کرده بشمارف آشنای دیرینه شان کوشش ورزیم

§

دین مقدس اسلام مقصدیکانه که دارد اشاعت توحید و اعلائی کلمه الله است ، دین مبین هذا برخلاف ادیان دیگر تنها برای يك قوم یا يك قبیله شرف نزول نقرموده بلکه برای اصلاح کل بی بشر از زمان نزول تا يوم القيام ارسال شده است ، پس برای اعلائی کلمه الله و اندشار توحید در تمام دنیا سیاحت های گوناگون و کشتن ها در بر ، سفرها در بحر ، بصورت امن و حرب ، صلح و جنگ لازم و لابدست .

قرآن عظیم الشان در جاهای مختلف ( چنانکه ذکر شد ) به سیاحت ها و سفرها در ارض امرا نموده است و ازان عبرت گرفتن فرموده است ولی و اسفا ! که بجای ما فرنگیان باجمعی بی برده ارض ها را حفر نموده در آن سیاحت کردند و آثار عقیقه و مدیثت های گذشته را نشان یافتند و ما اگر از خانه تا مسجد خود را پرتاب کرده توانستیم ، خود را متقی و صوفی و عارف می شناسیم و همین اکتفا کرده آنرا وافی میدانیم

چه خوش بودی ! اگر ما این نکات را غور و خوض کرده مدیثت های غیرالمقول گذشته را تحقیق و تقدیر کرده و سبب محو و بربادی آرا که تکذیب دین و بی الهی است دانسته ، بر عبادت خلاق عالم نبات و دوام نموده ، فایده مضمره آرا که فرنگیان امروزه گرفته نتوانسته اند ، ما می گرفتیم ، و آنهم نیست جز « عبرت » که نتیجه آن ، « راحت و فرحت » است .

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده اند اطلبوا العلم ولو بالصدین ولی ما آنرا دقت نکردیم و نمیکشیم که اینهمه رفتن تا به « صین » یعنی دور ترین نقاط از مکه مکره یا مدینه منوره ، در آسیا ، برای چیست ؟ اگر يك کسی در تاریخ نورباز حیات بر نکات حضرت سید البشر بنظر امان به بینیم ، خواهیم یافت که تا پایند وطن

بوده جز گیتی نکردند ، گونه گونه آزارها ، نوع نوع مانعها برای اشاعه اسلام یافتند

هر که بایند وطن شدی کشید آزارها

بای کل اندر چن دایم پرست از خازها

تا آنکه در آن اوقات سوره يوسف شرف نزول ارزانی فرموده از هجرت و دوری رو از وطن و بر سر مرصاد جا گرفتن ذکر نموده کنایه هجرت موجود بود و اشارت رفتن صریح و همچنان هم شد بمجری که از قید نشستن رهیده بیابانهای سررا قطع کردند ، روز بروز مواقع و مشکلات دفع و سنك خار دشمنان دفع کردید و رفته رفته نایل مراد شدید .

در وطن گرمی شدی هر کس با آسانی عنبر

کی ز آغوش پدر يوسف بزندان آمدی

یکی از فضایل بی شمار حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه که در قرآن مذکورست ذکر مصاحبت سفر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم است ، ثانی اشین اذ هانی الفار .

خلاصه مسلمانانرا این تعلیمات قرآنی ، و تصریحات حضرت نبوی اطرف دیدن مالک ، و وار هائیدن شاترا از مسالك برمهالك ظلم و کفر متوجه ساخته بهمت مسلمانانه خود از اندلس تا چین یعنی از مشرق تا مغرب دویده دویده علم توحید و اسلام را فراز تر همه خلانیدند .

ایشان ، یورپ افریقا همه را یعنی همه دنیا را سیر و سیاحت وزیر علم اصلاح دانسته آوردند .

راه های منظم ساختند ، شهر های عزیز آباد کردند ، نه تنها برهای اعظم را سیر و تفرج کردند بلکه بحرهای کبیره را دور و گذار نمودند ، این خلایق می گوید که افواج بحری بی امیه اعلا ترین افواج دنیا بود ، و در آن زمان کتاب های بسیاری در فن تجارت تالیف و تصنیف شد .

قوم بحری مسلمانانرا بیدیل و لانانی بود فتح جزیره سبلی در زمان مأمون و معتصم از طرف مسلمانان اندلس دلیل قوی قوه بحریه مسلمانان است و لفظ ( ادمارل ) که در زبان های یورپ یعنی رئیس بحریه است از لفظ ( امیر البحر ) گرفته شد است .

در عهد بنی عباس سفرهای بحری و پیمایش های بحری اجرا شده است ، نقطه مشهور آن بصره است .

مسلمانان در جهاز رانی خود ( قطب نما ) را استعمال کرده اند از بصره ، تا هند چین ، افریقا تجارت های بزرگی جاری بود و تجارت شان که ازان دلیلی بزرگتر به سیاحت جستن نموجب آواراست باروس و اسپین نیز جاری بود ، به ایطالی و فرانسه و سبلی چه جای بیان است . احیا و اكمال جغرافیه را هم مسلمانان کرده اند در آخر عصر نهم عیسوی بکمال شوق و ذوق جغرافیه می خواندند و کتاب ها در آن می نوشتند که این همه دلایل جهان گردی ایشان است .

مسلم بن حیر ، البرونی ، یاقوت ، و غیره جغرافیون با کمال بودند البرونی با محمود غزنوی در هندوستان سیاحت کرده در ۱۰۳۸ ع وفات یافت . ناصر خسرو که در ۱۰۶۴ تولد شده سیاحت ها کرده و باز نوشته است ، بلاوی همدانی مورخ در آخر عصر سوم و آغاز عصر چهارم هجرت جغرافیه و تاریخ ، یمن و جنوب عرب تحریر کرد ، کتاب های بسیاری در اسلام در خصوص فواید سفر تحریر شده است .

در مسلمانان سیاح های بسیاری گذشته است که با وجود نه بودن دلیل حتی يك یکی هم این همه قطعات را طی کرده اند مانند ابن بطوطه ابن حبیر ، ابن سعید المغربی و غیره و غیره که همه سیاحت نامه های خود را تحریر کرده اند .

ابن سعید المغربی البغدادی که در ۶۸۵ هجری در تونس فوت شده در اثر بنام ( فضاء الارض ) و نصف الکون دارد که نخستین آن در کتب خانه سنت پتر و گراد و یک نسخه آن در کتاب خانه اکفوردر و یک نسخه از دوم آن نیز در اکفوردر موجود است . این اثرها در باب جغرافیه بوده است .



از کسانی که ما نام آنرا میدانیم حضرت شیخ سعدی است علیه الرحمة که این دو بیت در باب سیاحت از ایشان است .

ناید کان و خانه در کروی  
هر کرای خام آدمی نشوی  
رو اندر جهان تفرج کن  
پیش از آنروز که جهان روی

و ذات خودشان هم سیاحت های بزرگی در هند و فارس و شام اجرا کرده ولی بجای آنکه سیاحت نامه خود را بنویسند ماحصل سیاحت و عبرت های سفر خود را که بوستان و گلستان است نوشته اند که این دو کتاب اخلاقی در فارسی نادر و نایاب است و امروز بواسطه همین دو کتاب شیخ مذکور مشهور عالم و بر زبان هر کلان و کم است حتی کتاب های شان در زبانهای مختلف اروپا ترجمه و شایع و تحسین و تقدیر شده اند .

بلند نام نگردد کوی که در وطن است  
ز نقش ساده بود تا عقیق درین است

تمام مورخین اتفاق دارند که در زمانه که علموفن ایشان خود را در مسلمانان و در اندلس گرفته بود بعدها عیسائی ها از ملک های خود سیاحت کرده کرده با آنها آمدن تعلیم گرفتند و بعد از اكمال تعلیم به جاهای و وطن های خود رفته اشاعت تعلیم می کردند ، و نیز جنگ های صلیبی که قریب دو صد سال در مسلمانان و عیسائیان جاری بود ، و افواج های عیسائی به ملک ها نفوذ آورده جنگ کرده شکست خورده پس به ملک های خود می رفتند ، عادات و اوضاع و شان عرب ها در ایشان تاثیرات نمایان کرده بودند و همین سیاحت ها ایشان را هشیار و بیدار ساخته اقتدار پورها را از سر خود پس گرفته باین ترقی های نمایان رسیدند که امروز همه بمالک اسلام مبلغ و قدرت کردن میخوانند .

پس از آن برای اثبات فوائد سیاحت بجایهای نهایت دور و دراز سفر کرده عصر های بسیار قبل را یاد آوری کردیم ولی اگر اینقدر دور نرفته در خود چشم می کشیدیم هم همین مدارا اثبات کردیم میتوانستیم .

وقت کنید وطن عزیز ما افغانستان يك صحیفه انقلابات جهان و نمونه تبدلات احوال زمان است ، کاهی دولت معظم آسیا بوده و کاهی پامال اغیار بر جفا

اما پس از آن که از اختلافات مابینی و نزاع خانه کی خلاصی یافته برخلاف سابق رو بترقی نهاده است ، و از روزی که دست تربیت اعلیحضرت خلد آشیان امیر عبد الرحمن خان مرحوم یافته آنرا ناگهان رو بترفع گذارده است تا بحال امروزه رسیده است .

پیش از عصر ( اعلیحضرت ضیاءالملک والیدین مرحوم ) نه نام ترقی و نه نشان تمدن بود نه از نظام و انتظام خبری نه از معارف و صنایع اثری موجود بود و چون کار بدست اعلیحضرت مرحوم مقفور مبرور رسید ، سر رشته های کونا کون و انتظامات معقول در مریاب مهیا کرده دولت را آبی

درو آورد ، و امروز بیشتر و زیاده تر از آن ظاهر و زرفع آشکار است . اینهمه برکت های سیاحت است ! سیاحت ! ...

یک روزی اعلیحضرت خلد آرامگاه مقفور از دست مصائب زمانه مازموده ایم درین شهر بخت خویش باید برین کشید ازین و در طرخت خویش

گفته ، بیک طریقی رفت ، و در ایام سیاحت خود چیزهای بسیاری دیدند ، و شنیدند ، و از آن عبرت گرفته ، روزی که پس بوطن خود مراجعت کردند ، وطن را از حقیقت ذلت برداشته باوج رفعت رسانیده ترك دغدغه حیات نمودند .

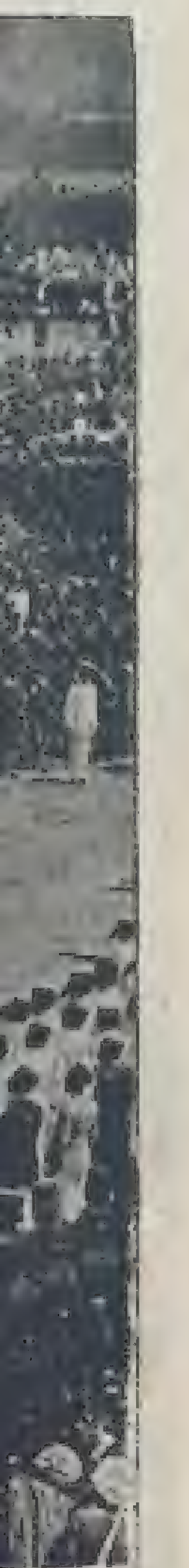
پس از ایشان ذات شوکت سیات اعلیحضرت متبوع مقدس ماسراج المله والیدین جلوه ازای سر بر سلطنت شده ، چون از فوائد سیاحت باخبر تر بودند ملک خود را و ملک متعلق و همسایه ملک خود را دیدن خواسته هندوستان تشرف بردند ، و در آنجا سیاحت خود را به قسری که مقید بود یعنی بخشم عبرت و اخذ حکمت دیده پس تشریف آوردند ، و اساس ترقی را که اعلیحضرت مقفور مرحوم حضرت ضیاءالملک والیدین گذاشته بود به بلند کردن کوشش و رزیدند یلمهای اهنین شریف قاری که با بشیختهائی و غیره هم از نتیجه همان سیاحت بادشاه بیدار ما بوطن آمد و چون از فوائد عبرت باخبر بودند نظری را که غریب الوطن بودند طلبیده بغزت و حرمت داشت و از آن ها در راه وطن عزیز مقدس خدمت های بزرگی گرفته شده ، که بهترین و مفیدترین آن وجود و مسعود جناب مستطاب سر محمدرضا صاحب سراج الاخبار افغانستان است که چون دایره سیاحت شان وسیع تر و خط حرکت شان دراز تر بود در خدمات وطن عزیز مقدس خود از راه قلم بیشتر فایده رسانیده توانستند ، که همیشه ملت مرهون احسان و تحسین و تقدیر کنند خدمت شان است .

از احوالات سیاحت اعلیحضرت امیر مرحوم نوشتن تحصیل حاصل است زیرا کتاب تاج التواریخ فارسی را البته هر کسی دیده و خوانده می تواند ، و سیاحت های مدیر صاحب هم البته خرید و مظارعه میشود ، اما يك كتاب بایک اثری از سیاحت ذات والاصفات بادشاه ترقیخواه معدلت گستره در فارسی موجود نیست تا اهالی وطن عزیز ما طرز سیاحت و سلیقه جهان شتی که یادیده باز عبرت می باشد ، به بینند ، لهذا ما بعضی فقرات و جمله های سیاحت شانرا از يك كتاب اردو که ( سیاحت حبيب ) نام دارد جمع و ترجمه کرده هدیه قارئین گرام خود می کنیم ، وایشانرا هم برین گونه سیاحت های پر استفاده تشویق و ترغیب می نمائیم می رود به يكمال آدم خاکی زسفر

میشود کاسه گل ، ساخته از گردیدن

حال سیاحت هند ذات شوکت سیات اعلیحضرت همایونی از طرفه اکثر اخبارات هند واسطه نامه نکار ها اشاعت یافته ولی کتاب سیاحت حبيب که دیدنی های خود مولف و یاشیدنی بسیار محقق است که جمع کرده ، ما از آن فقط بسیار جمل همان فقرات و نکات راجع و ترجمه می کنیم که مطلب اصلی سیاحت ( یعنی ازاد معلومات ) از آن ظاهر شود . در وقتی که از طرف دولت انگلیز برای سفر اعلیحضرت همایونی بهندرجا شده ، اعلیحضرت همایونی در جواب ( برای رفع شبهه های انگلیزها که در وقت موجود بود ، و افغانستانرا دوست صمیمی خود نمی شمردند ) فرمودند که :

کفر است  
و تهیه  
که مقصد  
جدیده و او  
جدا بچه  
نمایشا رفته  
و مدارس  
معارف انتفا  
بود که آمد  
خواهر بود



کردن خ  
هندوها دل

پس آیا  
نیانی ! در  
مردم هستند  
يك قانون



کفر است در طریقت ما کینه داشتن آئین ما است سینه چو آینه داشتن  
و نهیه سفر نمودند . درین جا هم به جواب امر او اعیان فرمودند  
که مقصد از رفتن تحصیل معلومات است و بدین اختراعات و ایجادات  
جدیده و آوردن آنها در وطن خرد و بس  
چنانچه جاهائی که اعلیحضرت هابونی در سفر خیریت اثر خود برای  
نماشا رفته اند ، ملاحظه افواج بود ، یا معاینه کارخانهها یا دیدن مکاتب  
و مدارس و بعضی مزارات مشهور بوده است ، ترقی صنایع آب و تاب  
معارف انتظام عساکر تعمیرات ، قلعه ها همه اثر و نتایج همان دیدنی ها  
بود که بعد از تشریف شان بوطن بر سر کار آمدن و هنوز چها و چها  
خواهد بود که نتیجه آنها مقید وقت است و نوبت اجرای شان نرسیده .

زیرا اعلیحضرت تماشای بندرگاهها و بخرها ، ریل ها و جهازها هم  
نموده اند ، البته هر چیز را به امان و تدقیق دیده اند ...  
اعلیحضرت هابونی بارعلای هند ، هندو ، مسلمان شیعه ، سنی بیک  
و تیره مرحمتها و ملاحظات های شاهانه کرده اند ، دلهای هند را بخونی  
بدست آورده اند ، بک بیان اعلیحضرت را که جایکی از علمای شیعی  
قداحدین صاحب معلم دینیات مدرسه العلوم علیکده کرده اند زیر عنوان  
سیاست پروری شان ترجمه می کنیم :-  
اعلیحضرت هابونی با معلم صاحب مذکور پس از تعارف فرمود ،  
هرچندن مردم مراسمی متعصب می گویند مگر شما خبر خواهید بود که  
مسلمانان دهلی بنا بر آمدن من در وقت عید الفصحی قربانی گاوها را پیش از پیش



کشا

عودت شاهانه از نمازگاه

کردن خواستند ولی من بکمال شدت نه پسندیدم ، زیرا درین واقعه  
هندوها دل آزرده می شدند و قربانی هم به کوفتند ، بز و غیره ادا میشود ،  
مباش در پی آزار و هرجه خواهی کن  
که در طریقت ما غیر ازین کنای نیست  
پس آیا شما کمان می کنید که شیعه ها را من از هندو ها هم بترمی بینم  
قنی ! در علای من ، شیعه ، هندو ، آتش پرست ، یهود هر کونه  
مردم هستند من نه آنها را بیک نظر می بینم و صلاح و فلاح همه را زیر  
یک قانون مساوات اجرا میکنم .

غیر از ان اعلیحضرت در هر مکتب بزرگ و مدرسه نامی رفته امداد  
های درمی کرده اند ، و در هر مزار و مرقفد پتولیان حسب مراتب اعانه  
کرده اند ، در هر مکتب و هر جالفت و مضمون این بیت را تکرار فرموده اند  
ما جو بر کاریم بکجا بر شریعت مستقیم  
بای دیگر سیر عقبات و دولت می کنیم  
و بعضاً بنفس نفیس هابونی امتحان دینیات گرفته اند و رای خود را  
ظاهر داشته اند . و سنک بنیاد کالج حمایت اسلام لاهور را بدست خود  
نصب نموده اند .

کار است .

شماره

فی بسیاری

وطن خود

رسانیده

بالسراج الملة

یا تحت باخبر

ن خواسته

که مفید بود

ساز ترقی را

اشته بود به

دنیای و غیره

بدست باخبر

شت و از ان ها

ن و مفید ترین

افغانیه است

ر و بود در

قتند ، که

شان است .

حاصل

و خوانده

ناله میشود

اه ترقیخواه

لر ز سیاحت

لهذا ما

( سیاحت

د می کنیم

تیب می فایم

ن از طرف

شباب سیاحت

ست که جمع

اجمع و ترجمه

ظواهر شود .

ت هابونی

ع شبه های

می خودنی



تمامی کارها و اما بسات مفیده مانند مانورده ها کرده اند ولی کارهای  
بفایده را نه تنها نیست کوشش بلکه صریح منع فرموده اند . جنبه قضیه  
های بی شماری که مردم ساخته بودند همرا طرد نمودند . این سیاحت  
شان از ۲ ماه جنوری سنه ۱۹۰۷ آغاز شده بعد از ۲۶ روز به ۷ مارچ  
۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری اختتام یافته ، باخیالات نو ، معلومات نو ،  
ارادهای نو وارد جلال آباد شدند . و آن معلومات و خیالات ترقی های  
حالاتی و ترقی های آینده ما را در بر دارد .  
اینقدر معلومات درباب قواید ، سیاحت ، فارین کرام خود داده  
غفو تصدیق میخوانم .  
( مجوز اداره : عبدالهادی )

نقل استفتاء و افتای محکمه شرعیہ  
چون جناب عزت و فطانت اشان کرامی خیرخواه و خدمتکار دولت  
سعادت بنیان اسلامی محمود بیگ خان طرزی مدیر و سر محرر سراج الاخبار  
افغانی یک مکتوب و صورت استفتای ارسالی سید عنایت رسول ناصری  
زبانده یاس بریلی هندوستان را در محکمه شرعیہ دار السلطنه فرستاده  
طالب فتوی شد لهذا مکتوب و استفتای او را نقل نموده در بخش  
بطریق افتخواب نوشته شد

نقل مکتوب

بما لیجناب قدوة السالکین زبدة العارفين جناب ادیقر صاحب مدت

### اعلان

#### سراج التواریخ

برمه آرزو کشان علم و عرفان مال خارج اعلان  
میشود که کتاب مستطاب (سراج التواریخ) که کیفیت  
آن در اعلان کالم آخرین اخبار مامندرج است :  
در شهر پشاور بمعرفت عالیجاه میرزا غلام حیدر خان  
سر رشته دار دا کخانه دولت علیه مستقلة افغانستان  
بقیمتهای متعین آن بفروش میرسد . خواستشندان  
خریداری و مطالعه آن در هندوستان ، و سایر ممالک  
خارج به سر رشته دار عمومی الیه مراجعت کرده  
دستیاب میشوند .

قیمتهای کتاب نمبر وار در کالم آخری اخبار  
مندرج است برهن کتاب مبلغ یک روپیه و یک عباسی  
کالی مخارج ارسالیه کتاب از کابل الی پشاور ضم  
و علاوه گردیده است . خریداری که از دیگر اطراف  
از پشاور طلب کنند ، قیمت اجرت بارسل داک  
انگریزی البته برده خود شان میباشد .



لازمیست بلکه این هم تحریر فرموده است که شخصیکه این سنت را  
زنده خواهد کرد او را ثواب یکصد شهید خواهد شد الغرض در اثبات  
وی این حدیث پیش کرده است ( عن السائب بن یزید رضی الله تعالی عنه  
قال کان یؤمن بین یدی رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم اذا جلس  
علی المنبر یوم الجمعة علی باب المسجد وای بکر رضی الله عنه و عمر رضی الله  
عنه ) علاوه از این دیگر چند ثبوت بن پیش کرده اند بلکه یک رساله  
هم تحریر فرموده است که بغایت مستند و ثبوت کافی معلوم میشود  
الا در نجابت دیگر مقامات علمای وهابیه اعتراضات کرده اند از بسبب

فیوضهم - السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته - احوال اینست که درین  
ملک آذان ثانیة جمعه قریب منبر از قدیم جاری بود لیکن از چند عرصه  
عالم فاضل شهر ما جناب مولانا مولوی الحاج مفتی احمد رضا خان صاحب  
نسبت این آذان ثانیة جمعه تحریر فرموده است که این آذان ثانیة جمعه  
بیرون جوف مسجد روبروی امام باغچه باید شد اندرون مسجد آذان  
گفتن مکروه و خلاف ادب دربار آلهی است بایندی رواج در مسئله  
نیاید شد هر آنچه حضور اکرم سرور عالم صلی الله علیه و سلم با خلفای  
راشدین حضور رضوان الله تعالی علیهم عمل فرموده است بایندیش



تکالیف دول  
اج الاخبار  
ول ناصر  
نه فرستاده  
در تخت

عاجب مدته

این سنت را  
رضی در اثبات  
بی الله تعالی عنه  
سلم اذا جلس  
وعمر رضی الله  
لکه يك رساله  
معلوم میشود  
ده اندازین سبب

در عوام الناس شورش پیدا شده است و بیشتر قید و رواج را بر خود ملحوظ  
میدارند و هم برین نخط علمای وهابیه میگویند که اذان تأییه جمعه قریب  
منبر روبروی امام باید شد چرا که از سنت در جمیع امصار اسلام  
همچنین جاریست روبروی حضورگاهی اذان بیرون مسجد نشده و نه در عهد  
خلفاء و این حدیث را ضعیف میگویند و اسنادش را باور نمیکند -  
مناسب دانسته يك استفتاء در قسطنطنیه بخدمت جناب شیخ الاسلام  
صاحب از سال کرده شده بود و الاسبب آغاز جنگ و بند شدن  
دک جواب نیامد اکنون دوباره از حضور رجوع کرده شده است  
که حضور ضرور بالضرور خود در دار الافتاء اعلی حضرت امیر  
صاحب داخل فرموده و مواهب جمیع علما و مفتیان کابل بر استفتاء ثبت  
کنانیده بسبیل داک بسیار جلدتر هر قدر که عجلت دارد ممکن باشد  
و میتواند بنام رقم حسب نشان و سراغ مندرجه ذیل ارسال فرمایند  
تا که او را در مطبع طبع نموده شایع کنانیده شود و باعث رفع نزاع و اختلاف  
باهمی باشد استفتاء ملفوف عریضه هذا است والسلام - علاوه ازین هم  
يك نقل استفتاء مع جواب در برجه سراج الاخبار شایع فرموده يك  
برجه بسبیل داک مرال سال فرماید قیمت او را حسب تحریر جناب ارسال  
خواهم کرد - بنده (هیچمدان بنید محمد عنایت رسول ناصری از بلده  
بائس برلی محله کبیر سوچی خان نزد جامع مسجد ملک هندوستان)  
المروضه روز سه شنبه ۲۴ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۴ (نقل فقرات استفتاء او)  
چه میفرمایند علمای دین متین و مفتیان شرع مبین درین مسئله (۱)  
اذان تأییه جمعه که روبروی منبر میشود در وقت رسول الله صلی الله علیه  
وسلم اندرون مسجد میشد یا بیرون مسجد - (۲) در زمانه خلفای  
راشدین یکجا میشد (۳) در کتب معتدله فقه حنفیه اذان گفتن اندرون  
مسجد منع گفته و مکروه فرموده بانی (۴) اگر در زمان رسول الله  
صلی الله علیه و آله و صحابه وسلم و خلفای راشدین رضی الله عنهم اذان  
بیرون مسجد میشد و آنجا منبر اذان اندرون مسجد را مکروه فرموده در آن حالت  
ما امتیان محمدا برین عامل باید بود یا باید رواج و رسم باید کرد و رسم  
و رواجی که مخالف حدیث و فقه افتد در آن حالت مسلمانان را پیروی فقه  
و حدیث لازم است یا بایستی رسم و رواج (۵) بدعت یا امر جدید آن است  
که مطابق حکم رسول خدا صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین و احکام  
اُمّه باشد یا آنکه خلاف آن همه کان در مخلوق مروج شده باشد (۶) در  
مکه معظمه و مدینه منوره این اذان مطابق حدیث و فقه میشود و یا خلافش  
اگر خلاف میشود از شاد علمای کرام آنجا در باره عقاید حجت اند  
یا افعال مؤذنان تحواء داران آنجا حجت باشند اگر چه خلاف شریعت  
و حدیث و فقه باشند (۷) در احادیث تذکره زنده کردن سنت هست  
یا نه بر آن اصرار میکنند شهید و عده فرموده است یا نه اگر هست سنت  
زنده راننده کردن مراد باشد یا سنت مرده و اسانت مرده آتوقت گفته خواهد شد  
که خلاف او در خلق رواج افتد یا آنکه خود را آنجا باشد سنت مرده قرار خواهد  
یافت (۸) بر علما لازم نیست یا که نه که سنت مرده راننده کنند و بر  
آنان این اعتراض جائز می تواند شد که پیش از شما علمای دین نبودند اگر این  
اعتراض باشد صورت زنده کردن چه باشد (۹) در وسط مسجدیکه خوض واقع  
باشد بر فصل او ایستاده محاذی منبر اذان داده شود در صورت اذان بیرون

مسجد ادا خواهد شد یا نه (۱۰) در مساجدیکه روبروی منبر و رواج واقع باشد  
اگر مؤذن بیرون مسجد اذان گوید روبروی خطیب نباشد در صورت  
چه باید کرد بینوا توجه روا -

افتاء

بر مفتیان این واقعه مخفی و پوشیده مباد - که اذان در داخل مسجد  
بروایی مکروه است (کافی کتاب النظم) و بروایی مکروه نیست  
(کافی الجلسالی) هکذا فی جامع الرموز فی باب الاذان - توفیق در میان  
روایتین اینکه روایت کراهیت در جایست که اذان خانه بیرون مسجد  
باشد - و روایت عدم کراهیت در جایست که اذان خانه داخل مسجد  
باشد - و این اختلاف در اذانست که برای اعلام غائبین باشد بدخول  
وقت (چون اذان پنجگانه و اذان اول جمعه در زور آه) و اذانیکه برای  
اعلام غائبین نباشد به اتفاق در داخل مسجد نیست یا مکروه نیست اذان دوم  
جمعه نزد منبر زیرا که آن برای اعلام غائبین بدخول وقت نیست - چنانکه صاحب  
در مختار در باب اذان تصریح برین نموده - و نیز در فتح الباری شرح  
صحیح بخاری از مهلب نقل کرده که حکمت در مقرر کردن اذان روز جمعه  
در پیش منبر برای اعلام مردم است به تشیق امام بر منبر برای خطبه تا مردم  
سکوت ورزند از سخن - پس ازین تصریح نیز ثابت است که  
وضع آن برای اعلام غائبین نیست - فائده این اذان اعلام حاضرین است  
برای استماع خطبه - و اقامت اعلام حاضرین است برای شروع نماز -  
اگر اعتراض شود که وضع اذان برای اعلام غائبین است پس  
چگونه اذان جمعه برای اعلام حاضرین باشد جواب آنکه این تخصیص برای  
اذان پنجگانه است نه اذان جمعه زیرا که ابتکار در جمعه سنت است و همه اصحاب  
کرام برای اقامت این سنت در روز جمعه منکر نبودند و اگر احیاناً  
ابتکار از یکی در آنوقت فوت میشد معلوم میکردید پس به اعلام غائبین  
در آنوقت حاجت نبود - و مؤید اینست قول صاحب مرقه است که چون  
اهل مدینه بسیار شدند و بدعت تولد ابتکار در آن ظاهر گردید اذانیکه در عهد  
حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد منبر میشد کافی برای اعلام همه  
اهل مدینه نبود لهذا جناب عثمان غنی رضی الله عنه اذان دیگر بیرون  
مسجد بر زور آه اجتهاداً مقرر نمود تا که همه اهل مدینه بشنوند -  
و ایضا ذکر فی فتح الباری شرح صحیح البخاری و تبیین معانی ان عثمان  
احدته لاعلام الناس بدخول وقت الصلوة قیلاً علی بقية الصلوة و ابقی  
خصوصيتها بالاذان بین یدی الخطیب انبی و قول محمود ابن احمد العینی  
فی شرحه علی الصحیح البخاری قلنا کانت خلافة عمر رضی الله عنه و کثر  
المسلمون امر مؤذنین ان یؤذنا للناس بالجمعة خارجاً من المسجد - فیسمع الناس  
الاذان و امر ان یؤذن بین یدی کما کان یفعل المؤذن بین یدی نبی صلی الله علیه  
وسلم و بین یدی ابی بکر رضی الله عنه ثم قال عمر رضی الله عنه اما الاذان  
الاول فینحن ابتداءً لیکثرة المسامحة لنبی فلیستما ذکران الاذان قبل  
زمان عمر رضی الله عنه کان بین یدی الخطیب که هو کذلک فی زمانه لیکن لا  
لاعلام الغائبین بل لاعلام الحاضرين یجلوس الامام علی المنبر لیستکثروا -  
و آنچه امام سیوطی رحمه الله در توضیح در باب تاذین عند الخطبه فرموده  
مؤید است که حکمت در اذان بین یدی الخطیب این است که خاموش



کردند مردم از سخن و از بانك و خروج بجبهه سمع خطبه - در اینجا  
بیک واضح است که اذان بن بدی الخطیب مانند اقامت در داخل مسجد  
امام المنبر برای اعلام حاضرین است مبرا از کرا بیت -  
و آنچه در بعضی از تفاسیر اذان قدیم را در باب مسجد آورده اند متعلق  
بروایی گردیده اند که این داؤد در سخن خود آورده و در سند روایت  
او ابن اسحق مندرج است لیکن ابن اسحق نزد محدثین مطعون و حدیث  
مزوی او ضعیف است که قابل تمسک نمیباشد و علامه محمود ابن احمد  
المعینی رح از بهی نقل نموده که حفاظ حدیث از عمل محمود بن احمد  
ابن اسحق در آن متفرد باشد بر هر میورزند حال آنکه درین محل  
متفرد است و استدلال بر آن محل حیرت زیرا که در حق او سخن گفته  
شده به انواع سخنها حتی که امام مالک رح بیاور نسبت کذاب کرده و بسیاری  
از محدثین اورا مدلس میگویند و این حجر در تہذیب و تقریب تہذیب گفته  
که محمد بن اسحق صدوق است لیکن مدلس و مرعی یقین و قدر است  
والحق ان فی روایة محمد بن اسحق تقدیر یعنی اذا جلس النبی صلی الله  
علیه وسلم علی المنبر اذن بین یدیه بعد ما نادى علی باب المسجد فالتداء  
لابلفاظ مخصوصة علی باب المسجد کان فی زمن النبی صلی الله علیه وسلم  
والشیخین ثم جعل عثمان رضی الله عنه هذا التداء اذ نادى بالفاظ  
مخصوصة علی مکان عال هوا الزوراء علی ما صرح به فی المرقاة فهذا هوا  
لتحقیق الحقیق بالقبول و به ارتفع التمارش من الروایات الفحول  
و اگر فرضاً تسلیم کرده شود که اذان در زمان حضرت رسول  
صلی الله علیه وسلم بیرون مسجد مقرر بود پس هیچ شک و شبه نیست  
درینکه جناب عثمان رضی الله عنه خلیفه ثالث اذان ثانی جمعه و درون مسجد قریب  
منبر جاری نمود و چون خلیفه بر حق مطاع بود بسبب قول رسول الله  
صلی الله علیه وسلم (علیکم بسنتی و سنت الخلفاء الراشدين من بعدی)  
بمضیع او احدی انکار نه نموده اجماع سکوتی بر آن منعقد شده و اجماع  
احباب قطعی است که این فی موضعه پس ازین جبهه ارباب هر چهار مذهب  
جمعه اتباع شان غمرا و شرفاً متفق اند برینکه در روز جمعه دو اذان میگویند  
یکی بیرون مسجد برای اعلام غائبین و یکی درون مسجد قریب منبر برای  
اعلام حاضرین و استحضار آنها برای سماع خطبه مانند اقامت که برای شروع  
نماز است پس هر که اجماع هر چهار مذهب را که مرتب است باجماع احباب کرام  
رضی الله عنهم شنیدند و بر آن عمل نه نمایند میباید احدی کوش به گفته او نکرد -  
المرام (این شخص که میگوید اذان ثانیة نماز جمعه بیرون مسجد  
به باب او و بروی امام باید شد و اندرون مسجد اذان کفایت مکرر و خلاف  
ادب در بار الهی است) آیا خود را مقلد یکی از مذاهب اربعه میدانند یا نه  
اگر نداند پس از روی احادیث میگوید یا از رای خود اگر احادیث  
میگوید این خلاف واقع است چنانچه در فوق مفصلاً مرقوم شد  
که اذان در زمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم درون مسجد قریب  
منبر بود و اگر از رای خود میگوید تقلید او مسلمانان را روا نیست و اگر  
خود را داخل یکی از مذاهب اربعه میدانند احوال مذاهب اربعه مختصراً  
در فوق مرقوم گردیده و مفصلاً در ضمن مسایل مرقومه ذیل میآید  
انشاء الله تعالی تا بداند خلاصه آنکه مامقلدان را نمیزد که ذرّه از اقوال  
مجتهدین فی الشرع و المذهب مخالفت قائم و اجماع مجتهدین هر چهار مذهب  
بر همین است که اذان ثانیة نماز جمعه در صنف اول قریب منبر گفته  
میشود و توارث و معموله جمیع اهالی مذاهب اربعه در مکة معظمه

و مدینه منوره و تمامی بلاد اسلامیة از شرق تا غرب بهین طریق جایز است  
پس بر جمیع اهالی مذاهب اربعه لازم است که از تقلید ایشان مخالفت  
نمایند اگر بالفرض یک حدیث صحیح غیر مطعون در باب ظاهر کنند  
و اعتراض نمایند که حضرت امام همام صافی صوفی ابو حنیفه کوفی رحمة الله  
تعالی علیه فرموده که (اذا صح الحدیث و بخالفة قولی فهو مذهبی)  
و دیگر قول او (ا ترکوا قولی قول رسول الله صلی الله علیه وسلم و اجماعه)  
پس میباید مقلدان مذاهب امام همام محدوح حدیث مفروضة من قوله عمل  
نمایند و ترک مذهب کنند جوابش اینکه این کلام علی العموم مراد نیست  
بلکه در حق مجتهدین فی المذهب است زیرا که اجماع امت بر این است که  
بر غیر مجتهد تقلید مجتهد و نقل قول او واجب است و نیست حلال مراراً  
حکم و فتوا یا تنبیط خود از آیات و حدیث و قیاس و نافذ نیست حکم او  
بر غیر تقلید بلکه کفایه کار میشود بر حکم کردن بقیر از تقلید (و قوله  
ا ترکوا قولی) خطاب بر مجتهدین فی المذهب است که شاگردان امام محدوح  
اند و خطاب نیست برای هر کس چنانکه چند قبود درین کلام مقدراست  
(قید اول) اینکه ثابت باشد نزد امام که حدیث صحیح است و برد و نسخ  
و غیره از طرف امام سخن گفته نشده باشد و این قید ازین قول امام  
محدوح میراید (که اذا صح الحدیث) لانه اذا کان ضعیفاً او متکلفاً  
فیه من جانب لم یکن صحیحاً - (قید ثانی) اینکه ثابت باشد حدیث صحیح  
بعینت که در مقابل آن حدیث قول امام قول قیاسی باشد و این قید ازین  
قول وی بخالفة قولی پیدا و هویدا است زیرا که وقتی که ثابت شد حدیث  
صحیح و در مقابل آن اجماع یا کتاب یا حدیث صحیح تر در نزد امام ثابت شده  
باشد مثل مسئله بودن بسمه جزء از قرآن نه جزء از فاتحه و مسئله اخفای  
بسمه در نماز و غیره آن که در کتب مبسوط مذکور است آنرا قول  
خاص امام گفته نمیشود (و قید سوم) اینکه صاحب خطاب مجتهد فی  
المذهب است و این قید از قول وی - اذا صح الحدیث بخالفة قولی فهو  
مذهبی - میراید زیرا که معرفت مخالفت قول امام از حدیث از شان  
هر مقلد نیست بلکه از شان مجتهد فی المذهب است پس بنابر این مخالفت  
قول امام مرغیر از مجتهد فی المذهب که بقبود سه کانه میدانند مقلد صرف را  
جائز نیست فقط بحریر یوم ۲۴ جمادی الثانی سنه ۱۳۳۴

محل مواخیر حضرت قاضی القضاة و اهالی محکمة شرعیة دار السلطنة کابل

### الکتابات

نامه منظومه بخدمت جناب فیض مآب مدیر و مترجم صاحب

سراج الاخبار مبارک بقرار شرح ذیل

ایا که سفته در هاو کوه اسرار

مبادی کل رویتو کشتن اخبار

نشارتی و طراوت زنت کابل را

که تحفه سحت میروود بسمت چهار

قدت بیاغ هر همچو سرو آزادست

لبت به نکته سرایت بلبل گلزار

تنت زیاده عرفان جو ختم بود در جوش

دلش ز عشق بگردش جو کنند دوار

پس از دعا کنم اظهار مدعای ضمیر

که عمر بار کاب است و نیست جای مدار



نوشته ام سخن چند را بخدمت تو  
ز عشق شمع در وصف شاه عدل شعار  
کمی ز حیلله دنیا و شورش عالم  
شکایتی دگر از جور دور این پر کار  
بخدمت تو فرستاده ام امید کنان  
که مثل در کشی اورا رشته اخبار  
بیا که اندکی از گردش زمان گویم  
که خلق بر چه سودا و سود ازین بازار  
زمین ز شورش جنگ و جدل خراب شده  
به کشک و قصر بلندش گرفته چغد قرار  
فلک ز سرک بی جامه کرده سبز و کبود  
بماتیکه بمیرد هزار کلر خسار  
چنان موافقت کفر او فتنه بهم  
که چند ملت و کشور بود بهم غم خوار  
چه سرویا و چه بلجیک چه فرانس چه روس  
فرنگ اطلالیه با مردم بلند شعار  
بتوپ و تیر و تفنگ و به تیغ و زنگارنگ  
ز بهر حیفه دنیا کشند زار و تزار  
گرفته روی زمین آتش فساد چنان  
که فرق تا بقدم سوخت اهل این بازار  
ازین طرف شده سلطان از آن طرف جرمن  
کشیده تیغ مکافات بر سر کفار  
زاد می نماید کسی روی جهان  
زین و تیره دوسه ساله اگر شود بیکار  
نمانده هیچ کی بیغم اندرین دنیا  
که آینه بسته بقرآن میوه زین اشجار  
خوشا که زنده نظامی بدی و فردوسی  
که مینوشت هزاران کتاب ازین اسماء  
چه گفتم ام بشپان شدم ز گفته خود  
که صد کتاب چنان است درج در اخبار  
چنان بورطه حیرت فرو شدی ایدل  
که هر نجیب نمودی ز فکر و بسیار  
سروش غیب به گوش جگر صدادر داد  
که نیست رسته ازین بحر هیچکس بکنار  
حکمر که کشور سلطان سراج ملت و دین  
ز فضل حضرت ایزد بود بامن قرار  
خصومتی نبود در میان دو دشمن  
بفرش خلت و تاجار خفته گریه و غار  
ز بس بادل و سخاوت بود فرید زمان  
که نام حاتم و نو شیوان نشد اظهار  
بود حکیم برای علاج هر مرضی  
دهد دوا می موافق بدرد هر بیماری  
سدیست از پی یا جوج کفر در ره دین  
به بسته گردن دشمن رشته افکار  
جهان بظن هابون او هابونست  
ملاذومان مردولت ست در اعصار

زمین اوست ب راحت جو کافه اسلام  
جهان چرا نکند تن بمقدمش اینار  
کسیکه شکر وجود شریف او نکند  
مدام باد وجودش نشانه سوزار  
دگر دعا به رفیقان اهل دین این ست  
که باد دلیر ایمان هر یکی بکنار  
مقیم دشت فنائیم چون حباب بوج  
رخیلست ازین منزل غریب آزار  
چیه اعتبار بود بر بقای برک خزان  
همیشه بار کایم در خریف و بهار  
غذا و قوت بی آدم ست خون جگر  
عبث به نزد هوا و هوس زنند قنار  
همه غنوده و چشمان بخواب خر گوش است  
نواقضند زمکر سماء کج رفتار  
فسون دمد که کلاهت بر سر نهی لیکن  
بجیلله حیلله ریاید ز فرق و سر دستار  
فرو بخلق نبردم زانکین و عدل  
که در مذاق و کلوم بر تخت زهر دمار  
جو وضع خلق بدیکر و تیره شد (صابر)  
نوخویشین بخدا و ند کرد کار بسیار  
امضا میرا کبر صابر از ارغنده

#### انتخاب

#### ( از خوشحال خان )

بستانه که آدم زاد دی به خوبو نوکش عناد دی  
نه حکمت لری نه عقل خوش هر کوره بصاددی  
نه دیلار بویل ککار کا نه به لغت د استاد دی  
چه به دوی کش بوی شهوی ده هه دم جیلاد دی  
بو دبل به کمی ناست دی حکم تل به بلا یاد دی  
اول زه دا نورد بسه خوشته واره داهدادی  
به نفاق بی واره و رک کرل که شجاع دی که جوادی  
نه قدر شسته نه بدل دیر تر مور و تر جراد دی  
دالا شکر کره خوشحاله چه بنده ندی آزاد دی

### خواجه خواجه

افسانه های جنگ نقل از جراید اروپا  
نطق صدر اعظم آلمان

کپنهاگ ۷ آوریل - از برلن خبر می رسد : بر طبق مندرجات آژانس  
وولف امروز جلسه رایشتاک مفتوح شد . هنگام مراجعت انوی بودجه  
صدر اعظم امپراطوری در حضور و کلاووزرا نطق ذیل را ادا نمود :  
جریان حوادث اخیره آنچه را که من سه ماه قبل در خصوص وضعیت و موفقیت  
نظامی استرانیازی آلمان در پیشگاه مجلس رایشتاک بیان داشتم عیناً بطور  
وضوح تائید و تصدیق نموده بمعرض جلوه می گذارد . جنگ حاضر در تمام  
عرصات عمده کارزار دنیا کا کان مساعد بحال نظامیان غیور و رشید ما است .  
دشمنان ما خیال دارند که برای موفقیت و پیشرفت مقاصد سوء خویش  
مناسبات و روابط آلمان را با تمام دنیا قطع کرده و ابروی سیاه قحط و غلام معدوم



سازند. درك این مطلب بر من بسیار دشوار است که اشخاص باهوش و فراست جطور بعد از تجارب زیاد ۱۹۱۵ باز امید بقحط و غلای آلمان دارند و باز منتظر هستند که آلمان از گرسنگی تلف شود. محصول ۱۹۱۵ ما بسیار بد بود ولی موجب را پورتهاییکه متوالیاً می رسد محصول امساله ملک ما از هر حیث و جهت امیدبخش است. انگلیس روز روز محاصره بحری سواحل آلمان را تقویت می نماید و ملت نیست که از اینگونه عملیات و اقدامات آنچه خسارات کلی منابع دولتی طرف عموماً و آذونی مخصوصاً وارد آمده است. حکومت آذونی بر علیه محاصره بحری و خسارات وارده جداً اعتراض نموده است.

اشخاص با عقل و با تدبیر که دول بی طرف ابدانی توانند از ما تقاضا نمایند که اسلحه خود را برای حفظ حقوق خویش استعمال نکنیم. ما سلاح خود را بر علیه کسانی که حقوق بین الملل را توضیح نموده بایشرفت تعاللات سوء خود می خواهند ما را از گرسنگی معدوم سازند بکار برده و می پریم ما پیوسته منافع حقیقی ملل بی طرف را سعی و محترم داشته ایم و در مقابل انتظار داریم که دیگران هم حقوق حقه ما را رعایت نموده ما را از محق بدانند. از بیانات دشمنان چنین مستفاد می شود که هیچ يك از آنها میل بانعقاد صلح ندارند.

اسکویت میگوید که مذاکرات صلح آهسته شروع نخواهد شد مگر بعد از اینکه قدرت و توانائی نظامی (میلناریزم) پروسی بسکلی منهدم و مهزوم گردد.

بشرایط پیشنهاد دشمنان ما يك جواب داریم و آن جواب را هم شمشیر آبدار خواهد داد.

ما فقط برای حفظ منافع و حقوق حقه خود دست بقبضه شمشیر پریم و اگر صلح چندی قبل از این می توانست وجود خارجی پیدا کند حالا دیگر آن احتمال و امکان بکلی از میان رفت زیرا که راه هزیمت و عقب نشستن سپاهیان دلاور جنگجوی ما منقطع و مسدود شد.

حوادث و واقعات جنگ با طبیعه مسئله آلمان را مطرح کرده است نصیبه مسئله آلمان یکی از وظایف عمده آلمان و اطیش و هنکری است و طولی نمی کشد که آلمان وظیفه خود را ادا می نمایند.

بدولت روس اجازه نخواهیم داد که در دفعه ثانی قشونهای خود را بحدود شرقی و غربی روس سوق دهد.

ایالات بروسیان نباید يك دفعه دیگر با پول فرانسه مبدل بدروازه شود که از آنجا نتواند بمملکت آلمان حمله نمایند. ما باید آسینه بلژیک را تا این نمایم که يك مرتبه دیگر دولت مزبور دست نشاندۀ انگلیس و فرانسه نشود و دولتن مذکور تین برای کشمکش با ما آنجا را میدان باستحکامات نظامی و اقتصادی خود نکنند.

حکومت آلمان اجازه نخواهد داد که فرانسه يك دفعه دیگر قبایل غلامانده ستمیده را تحت نفوذ تمدن خود قرار دهند.

سپس ما حکومت روس را مجبور خواهیم کرد که تمام آلمانها را که در تبعیت او می هستند و هزاران جور و تعدی در حق آلمان نموده و اموال و دارائی آنها را بچپاول و غارت برده و آنها را بدون جهت تبعید کرده متقاعد سازد و تمام خسارات وارده را جبران نماید.

ما راه نجات و رستگاری هموطنان خود را که در قید عبودیت و اسارت روسها اسیر هستند باز خواهیم کرد و صلحی که بعد از جنگ کنونی

منعقد خواهد شد باید متین و پایدار و تزلزل ناپذیر باشد. بر بنا نیای کیریا کال جدید کوشش دارد که بعد از جنگ و بعد از انعقاد صلح عمومی باز در زمینه اقتصادی کشمکش خود را با ما مداومت دهد. ولی تمام جهد و جهد و مساعی او که فی السابق نتیجه و ثمره حاصل نخواهد کرد.

ما اکنون هیچيك از ملل را تهدید باضمحلال و انهدام نموده ایم. برای تصرف قطعه زمین دیگران فرزندان و نوجوانان ما بخون رنگین خود آغشته نمی شوند.

قلوب ما و اعصاب ما و عروق ما و عفت ما و نظر عالی ما ما را و نظایر این دایر و رشید ما را تقویت نموده بر و بال می بخشند.

با این سابقه درخشان ما بدون شبهه آتیه ما هم امید بخش و درخشان خواهد بود.

انطق وزیر جنگ آلمان

يك ملت شكست ناپذیر

از آمستردام مورخه ۱۰ آوریل

بر طبق تذاکرات واصله از برلین در طی قرائت لایحه که از طرف وزارت جنگ آلمان دایر بر ناپذیر يك وجه معنی به سرباز های ناتوان شده جنگ به ریشتهك پیشهاد شده بود تزلزل و بدون هوشن پورن وزیر جنگ چنین گفت:

در این موقع لازم نمیدانم راجع به وضعیت نظامی توضیحاتی بدهم زیرا بیانات شانسور و امپراطوری و راپورتهای رسمی مرا که نظامی حاوی اطلاعات کاذبه میباشد و ملت بخوبی میتواند عملیات فاجعه قشون آلمان را در تمام فروتنهای جنگ درك کند. راپورتهای مرا که مایلی مختصر و موافق رسم نظام انشاء میشوند لیکن برخلاف راپورتهای دشمنان ما همیشه صحیح و راست هستند. مملکت ما هیچ باغراق و مبالغه احتیاجی ندارد. از يك نظر سطحی بر نقشه فتوحات ما معلوم میشود. دشمنان ما نیز این مسئله را میدانند اما اعتراف نمیکنند. اراده و عزم ملت: قوای روحیه افراد آلمان و موجود بودن جمیع تدارکات لازمه نظامی فتوحات ما را تا این میکنند ما را بوسیله شجاعت سپاهیان ما به آخرین مقصود خویش میرسانند.

راجع به تعرضات روسیه و جنگ و درون وزیر جنگ آلمان چنین گفت. دشمنان ما میگویند که عملیات آلمان در حقیقت مجاهدات مذبحخانه است که يك ملت خسته فرسوده بعمل میاورد.

اما چنین نیست عملیات ما در حقیقت لطمانی است که يك ملت قادر قاهر شکست ناپذیری وارد می آورد. يك ملتی که جمیع لوازم و تدارکات را موجود دارد و با آنها بقدری بر دشمنان خویش مشت خواهد زد تا آنها را خسته و فرسوده نماید.

برای حصول این مقصود من با تمام قوای خویش مشغول کار میشوم صد ذرع سنکر در نظر من از فصیح ترین نطق بهتر و مفیدتر است لفظهای باغی در خصوص فتح جنگ کنونی را خاتمه نخواهد داد. تنها چیزی که جنگ را خاتمه میدهد اولاً لطمانت سختی است که در میدان جنگ بردشمن وارد آید و ثانیاً استقامت ملت است که لطمانت مزبوره را

صحیفه  
وارد آور  
که شور  
خویش  
کار کند  
حرب را  
در دست  
آمد که  
مشار  
تاریخ است  
باستطاعت  
خواهد کرد  
نماید. تاز  
جمله اختصار  
و ظفر کاما  
در ی  
داشته و د  
تأمین و خر  
بلکه رای  
یدان نمود  
آلمان  
بطرف  
روی بشو  
انگلیس  
اقدامات  
شدند که  
چنانچه  
می یافت مق  
می ساخت  
از طواع  
عدم  
مامور تش  
و مقدار ق  
مشکلاتی  
اولین  
المانها نام  
خودشان  
بس ا  
شط العرب  
واقع است  
مرکز عمو  
بطرف یکی



وارد آورد و تا آخر با فشاری نماید . کله با فشاری قاصر از آنست که شور و شوق سپاهیان مارا تعمیر نماید . ما میخواستیم با نیروی سپاهیان خویش جنگ را بفتح قطعی خویش خاتمه دهیم . قشون در صورتی میتواند کار کند که ملت بیداری نماید . تا بحال هیچ دولتی مثل انگلستان دایره حربه را وسعت نداده و بازن و بجه جنگ نکرده است . اما سائلی که ما در دست داریم قدری نیکو و قوی و وسیعند که انگلستان از عهده بر نخواهد آمد که مارا گرفتار حفظ و غلا نماید .

مشارکت و اتحاد ملت آلمان در این جنگ از جمله مسائل با عظمت تاریخ است . قشون آلمان غریمت دلیرانه ملت خویش را سپاس گذار است باستظهار روح ملت قشون آلمان هیچ خود را فدای تحصیل یک صلحی نخواهد کرد که با تلفات و فداکاریهای نامتناسب باشد و آینه مارا تا مین نماید . تا زمانی که یک چنین صلحی منعقد گردد باید صبر و تحمل کرد . از جمله اختصاصات این جنگ آنست که غمرازان برای ما خوب است اما بدرجی فتح و ظفر کامل با ما خواهد بود و ما باید بدین مسئله اطمینان داشته باشیم .

#### حکایت های محاربه

انگلیس در عراق عرب چنان داخل شد ؟

در یکسال و نیم قبل دولت انگلیس قشونی به عراق عرب اعزام داشته و در صدد آمدن که بطرف بغداد برود و این قشون کشی نه تنها برای تأمین و حراست معادن نفتی بود که انگلستان در اراضی ایران داشت بلکه برای تأمین نظریات و منافع خیلی مهم تری بریتانیای کبیر اقدام بدان نمود .

آلمان انگلستان را تهدید میکرد که اردوی بزرگی از قشون ترک را بطرف هندوستان سوق داده و مسلمانان ساکن آن دیار و نواحی را روی بشویند .

انگلیس برای آنکه راه مزبور را مسدود ساخته و طرق این اقدامات را برای آلمان و عثمانی سد سازد با اتفاق روسیه داخل عملیاتی شدند که انگلیس در عراق عرب و روسیه در قفقاز متفقا کار کنند . چنانچه ورود و حضور قشون انگلستان در بغداد صورت فعالیت می یافت مقاصد آلمان را در آسیای مرکزی و شرقی بکلی معدوم و متلاشی می ساخت و شروع به عملیات و تبهجیات آلمان در داخله آسیا مدتها قبل از طلوع حرب بین المللی شروع گشته بود .

عدم موفقیت انگلیس و ایراداتی که میتوان به حکومت هندوستان که مأمور تشکیلات این قشون کشی بود خود آن است که قوای عظیمه و مقدار قشون مکنی برای یک چنین امر مهمی ندارد و ساخت و قبلا مشکلائی که ممکن بود برای این امر در پیش آید پیش بینی نکرد .

اولین مرحله این قشون کشی مساعد شد و تصرف بصره خیلی برای آلمانها نامطبوع واقع شد زیرا که قبلا بین المهرین را مانند یکی از متصرفات خودشان می پنداشتند .

پس از استقرار مواقع خویش در بصره قشون انگلیس بسوی شط العرب بالا رفته و « قورنه » را که در محل التقاء دجله و فرات واقع است اشغال کرد . سپس قشون مزبور بدو ستون منقسم شد . مرکز عمومی اردوگاه در خود قورنه قرار گرفت و هریک از ستونها بطرف یکی از دو رود دجله و فرات بالا رفت .

در اوایل امر او ضاع پیشرفت برای قسمت قشونی که در تحت ریاست ژنرال توشاند در کنار دجله سمت بغداد میرفت مساعد گردید و ژنرال مزبور باموفقیت تا « کوت العماره » رفت و در آنجا یک فقره جنگ با قوای عثمانی نمود . پس از این فتح ژنرال توشاند پیاده نظام و توپخانه خود را سوار کشتی و کرجی های بخاری نموده و معجلا با ایلمار قشونی بسوی بغداد عزیمت نمود .

در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۵ قوای ژنرال توشاند وارد تیسفون گشت . در آن موقع قوای عثمانی در تحت فرماندهی ژنرال نور الدین پاشا در مقابل بود لیکن بنظر نمی آمد که قابل آن باشد که بتواند از پیشرفت قوای انگلیس جلو گیری کرده و بغداد را حفظ نماید و بنا بر این خیلی انتظار وصول این خبر میرفت که عنقریب قشون انگلیس داخل پا تخت قدیم خلفای عباسی گردند .

در تاریخ ۲۵ نوامبر دو روز بعد از ورود توشاند به تیسفون امدادیه نیرومند و عسا کر مقتدری بکمک نور الدین پاشا رسیده و بلا فاصله حملات شدید و تعرضات قاهرانه عثمانیها بر علیه قوای انگلیس شروع شده و در نتیجه آن جنگ فالحانه ژنرال توشاند را با قوای ابوالجیحی و تا « کوت العماره » بسرعت عقب راندند .

عرصه به ژنرال توشاند تنگ شد و نتوانست درست ملتفت شود که چه مقدار قشون عثمانی در مقابل دارد و اشتباهات تصور کرد که میتواند در « کوت العماره » توقف نموده و انتظار امدادیه جدیدی که حتما برای او میفرستادند داشته باشد و نظریاتی که کوت العماره در یک نقطه مهم استراتژی در محلی واقع است که دجله هیچ نمی خورد و برای مدافعه خیلی سهل و مناسب است خیال کرده که نارسیدن مدد ممکن است بدون اطمنه و خطر در آنجا اقامت گزید .

از طرفی هم ژنرال نور الدین یک قشون معتناهی مهیا داشت و می توانست از اطراف قوای ژنرال توشاند را محاصره نماید و بنا بر این عمل محاصره را خوب انجام داده و مقداری در اطراف آنجا به محاصره گانست و مقدار دیگر را جنوب برد که قوای امدادیه جدید انگلیس نتوانند به ژنرال توشاند ملحق شوند .

در همین حین عسا کر عثمانی شروع به حمله بر استحکامات کوت العماره نمودند و یک قشون مکنی هم بطرف « البقا » در ساحل دجله و در مشرق با طاقهای سوا که اعزام کردند و کار محصوریت انگلیس ها کاملا انجام یافت .

موقعیت عسا کر ژنرال توشاند اضطراب آمیز می شد . متدرجا تهدید استحکامات آن بیشتر گردید . مقدار عسا کر وی ۱۰ هزار و تقریبا ۶۰ هزار نفر قشون عثمانی او را احاطه کرده و مسافت کوت العماره و ژنرال توشاند تا قورنه تقریبا ۴۰۰ کیلومتر بود .

اردوگاه مرکزی انگلیس که در قورنه قرار داشت برای استخلاص ژنرال توشاند از محاصره دو ستون قشون یکی در تحت فرماندهی ژنرال ایلر و دیگری در تحت ریاست ژنرال ایک بطرف کوت العماره از طرفین ساحل بین و یسار دجله اعزام داشت .

جنگ و بعد از  
با ما مداومت  
و نمره حاصل

نموده ایم .

قشون رنگین

و نظامیان

و درخشان

که از طرف  
های ناوان

ن بورن و زیر

ضیحاتی بهم

نظامی حاوی

قشون آلمان را

با خیلی مختصر

ی دشمنان ما

یا جی ندارد .

ستان ما نیز این

قوای روحیه

فتوحات مارا

سود خویش

چنین گفت .

ات مذبحخانه

ک مات قادر

م و تدارکات

ت خواهد زد

ل کار می شود

است نطقهای

د . نه چینی

بدان جنگ

ت مزبوره را



اردوی جنرال ایلمر که در جانب ساحل شرقی پیش میرفت در تاریخ ۶ ژانویه نزدیک نقطه «شیخ سعد» رسید و در آنجا با عساکر عثمانی تصادف شده جنگ شدیدی واقع گردید که تمام مدت روز طول کشید. در این جنگ ستون قشون دیگر انگلیس در ساحل غربی دجله بقوای عثمانی که عده شان قلیل بود حمله ور شدند و زود بمقصود رسیده قشون ترک را عقب راندند در حالیکه قشون ژنرال ایلمر روز هشتم و نهم را نیز با قوای عثمانی جنگ می کرد تا آنکه بالاخره موفق شد که عساکر خصم را بطرف «اراحه» عقب تر اندازد.

از تاریخ ۲۵ نوامبر روزیکه در آنروز قشون ژنرال توشاند تسفون را تخلیه کرده و متعاقب آن در کوت العماره محصور شده بود تا روز ۹ ژانویه که قشونهای امدادی انگلیس در طرفین دجله و در «شیخ سعد» جنگ میکردند یک ماه و نیم گذشته و در این مدت هنوز انگلیس ها وقت خود را تلف نکرده بودند ولی عملیات آنها بطور کندی صورت می گرفت. ظاهرا علت این سستی و کندی را بدین مسئله باید منتسب داشت که تقریبا در اطراف دجله راههای خوب و آبادانی و قریه وجود ندارد و علاوه بر آن مدت غالبا باران مثل سیل از آسمان به زمین فرو می ریخت و تقریبا همیشه قشونهای انگلیس بایستی در میان کل و باطلاق اردو زده و توقف نماید و رساندن آذوقه و تأمین ارتباط با مشکلات فوق التصور مراد از آمیزی صورت می یافت.

پس از محاربات شیخ سعد ژنرال ایلمر که فرماندهی کل قشونهای انگلیس بوی محول بود بطرف «اراحه» متوجه شد و آنجا نزدیک نقطه واقع شده است که رود «وادی» رود خانه غیر منظمی که آبهای باطلاقیهای سوا که را بدجله میریزد در آنجا است.

قوای ژنرال ایلمر در این جا نیز با عساکر عثمانی تصادف کرده و پس از دو فقره محاربه سنگینی که یکی در ۱۳ و دیگری در ۱۵ ژانویه رخ داد و عثمانیها مجبور به عقب نشینی شده و ژنرال ایلمر از وادی عبور کرده و ۲۱ ژانویه مجدداً به «السن» رسیده و به قوای ترک حمله برد.

این جنگ بسیار سخت و خونریز گردید و طرفین مکرر غالب و مغلوب شدند و طغیان سیلاب دجله و هوای بد مجال ندادند که ژنرال ایلمر بتواند روز ۲۲ محصم حمله برد ابلاغیه های رسمی انگلستان در این موقع خبر دادند که قشون ژنرال ایلمر در ۱۳۰۰ متری خطوط عثمانی جایگزین شده اند.

مدت یک ماه تمام عملیات قوای ژنرال ایلمر بکلی معوق و خنثی ماند ژنرال فرمانده کل قوای بین النهرین انگلیس که خودش به ستونهای امدادی برای باز دید رفته بود تلگرافی در آخر ژانویه بلندن بخاره کرده و گفت: بواسطه کل و باطلاقیهای عمیق که در اراضی ایجاد شده است حرکات و عملیات قشونی مشکل و محال است وضعیت صعب اراضی بدرجه بود که ژنرال ایلمر را ناچار ساخت که مواقع خود را رها کرده و عقب تر نامشرق وادی در آنطرف منطقه باطلاقیها برود زیرا در همان وقت وزارت جنگ انگلستان بموجب تلگرافاتی که متعاقب تمویق و تعطیل جنگ بوی رسیده بود اطلاع میداد که ژنرال ایلمر در ۲۲ فوریه یک اردوی عثمانی را در ساحل یسار دجله در ارتفاعات «ام الحنا» تپ بسته و روز بعد توپخانه خود را بهمان جانب مرکزیت داد که آنجا را استیلا نماید لیکن مسئله محاربات ام الحنا در ۶ مارس صورت یافت.

متعاقب آن ژنرال ایلمر توانست بطرف کوت العماره پیش رود و ۸ مارس مجدداً بواقع اترک در «السن» حمله برد ولی کاری صورت نداد که قوای اترک را تکان دهد بلکه خودش ناچار به عقب نشستن شد و مجبوراً دفعه دیگر از آنجا بطرف یافین باز گشت.

هر صورت نتیجه آن جنگ عقب رفتن ایلمر بود ولی ابلاغیه ها و تلگرافات انگلیس از این واقعه اشعاری نداشتند مگر در دهم ماه که اطلاع دادند بواسطه فقدان آب و مشکلات موقع ناچار به عقب نشستن بطرف رود خانه شده اند در تاریخ ۲۵ مارس فقط اطلاع داده شد که قشون ژنرال ایلمر بواسطه یک ضرب شصت و یک مقام کوچک عثمانی را در فلاحیه در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی السین اشغال کرده اند.

در آنوقت ژنرال ایلمر از فرماندهی قشون منفصل شد و ژنرال کورنک زمام فرماندهی کل را عهده دار شد و تغییر مزبور تا درجه اسباب امیدواری شد که ژنرال کورنک برخلاف فرمانده سابق جدیت و فعالیت فوق العاده نری برای رفتن به «کوت العماره» و نجات قوای محصور انگلیس بنماید و در تاریخ ۶ همان ماه فرمانده جدید کوشش کرد که در فلاحیه بقشون عثمانی هجوم برد و مصادف باوی ژنرال لیک در جانب یسار دجله بنای تعرض گذارد.

قشون ترک در آنجا دوچار لطمه و عقب نشینی شدند و آخرین اخباریکه رسید مشعر بر آن بود که هوا دو روز است خوش و مساعد شده و ژنرال کورنک تدارک می بیند که بصناعیه حمله برد.

مسائلی که گذر شد یک فهرست مختصری از وضعیت قشون کشی انگلیس به بین النهرین است و بطوریکه در فوق ذکر گردید انگلیس ها از قورنه دو ستون قشون حرکت دادند: یکی بطرف دجله و بغداد بالا میرفت و دیگر از کنار ساحل فرات بنای عزیمت را نهاد آیا این ستون دوم قشون چه شد؟ - ابلاغیه های انگلیس مدتی است خیلی از این مطلب کمتر چیزی اشعار می دارند. ما همینقدر اطلاع داریم که قشون مزبور در کنار فرات حرکت کرده و تا ناصریه پیش رفته و از ترعه شطالحی تا «شطرا» رفتند و در آنجا یک فقره جنگی نیز با قشون عثمانی نمودند. اینطور بنظر ما می آید که این اردو بواسطه علل وجهانی که تا کنون نخواسته اند بگویند وارد ناصریه شده و در همانجا هم فعلاً اقامت دارند.

بهر حال ژنرال توشاند چهار ماه و نیم در کوت العماره محصور ماند و معلوم است که ترتیب آذوقه و کمک رساندن بوی درجه مشکلات بزرگی گرفتار آمد ۱۹ هزار نفر محصور طبعاً در نهایت مرارت دوچار شدند. ژنرال کورنک در هشتم آوریل تا ۱۵ کیلومتری کوت العماره خود را رساند لیکن نتوانست بالاتر رود. تا آنکه سقوط کوت العماره و تسلیم ژنرال توشاند یکی از حوادث بسیار سخت و مصیبت آوری برای انگلیز گردید.

#### تحت البحرهای جدید آلمان

##### خیلی بزرگ - خیلی کوچک

متعاقب اختراعات جدید تحت البحرهای آلمان که بدون منشور شعاعی یا پرسکوپ ساخته شده است باز هم اخبار اطلاعاتی از نوع تحت البحرهای جدیدالاختراع دیگر رسیده و در مراکز مظهره بحری



مذاکره می شود که آلمانها بناز کی تحت البحرهای خیلی عظیم الجثه ساخته و مخصوصاً به بحر مدیترانه فرستاده اند که دوکار از آنها صورت می گیرد یکی آنکه از زیر آب جنگ کرده و جهازات را با تریل غرق و بمباره آخری جنگ تجارتی می نماید دیگر آنکه نوب های بزرگ و متعددی در آنها تعبیه شده است که علاوه جنگ زیر آبی روی آب هم آمده و با کشتی های سطح دریا محاربات بحری رو برو می نماید و بزرگی این قسم تحت البحرها مثل جهازات متوسط جنگی است

متعاقب این خبر اطلاع دیگری رسیده و تأیید شده است که مترادف با تحت البحرهای های جسم و پر عرض و طول کار خاتجات بحری آلمان تحت البحرهای خیلی کوچکی نیز به تازه کی اختراع و تدارک کرده اند که حجم و قطر آن خیلی کم و کوچک و مخصوص برای عملیات در دریا های کوچک و خلیج های تنگ است و این قسم تحت البحرها کمتر می توانند از مزارع بحری خویش دورتر روند

این دو قسم بحر البحرهای تازه کی عرض وجود نموده و بعضی ها تصور می کردند شباهه آن قبض هم است لیکن مخالف هم نیست . دو قسم ساخته شده و هر یک از آنها برای انجام ماموریتی که از عهده او ساخته می شود معین شده اند

در خصوص این تحت البحرهای کوه پیکر جدید آلمان اطلاعات زیادی رسیده است لیکن هیچیک از آنها شاید اطلاعات عمیق و تفصیل متوسطه را حاوی نبوده و اگر چه اخبار متعدد می رسد ولی در میان آنها چیزهایی که هیچ تر بنظر می آید بایستی اختیار کرد .

اینک اطلاعاتی را که نایب امیرال کرائت فرمانده کل اسکار تحت البحرهای آنازونی در کمیته مجلس نماینده کان داده است در این مورد ذکر می نمایم . امیرال مزبور شرحی از تحت البحرهای جدید اختراع آلمان که در حین حرکت روی آب ۷۵۰ تن و در وقت حرکت زیر آب ۹۰۰ تن ظرف بار گیری دارند اشعار داشته و چنین گفته است .

هرگز عمده و تکیه گاه بزرگ تحت البحرهای آلمان جزیره « هیکولند » میباشد و تحت البحرهای مزبوره ماه های عمیده اول جنگ تا محیط و فاصله ۱۳۵۰ میل ( قریب ۳۹۰ فرسنگ ) دور از آن نقطه آمد و رفت و دایره عملیات داشته اند از قراریکه میتوانیم تصور نمایم تحت البحرهای مذکور به سرعت ۲۰ نود سرعت سیر دارند لیکن بطور عموم در حین عملیات به سرعت ۱۷ تا ۱۸ نود حرکت نمایند و عادتاً در روی آب به تنهایی ۱۲ نود را می روند و هیچگونه اطلاعات دقیقه بدست مایا آمده که در زیر آب بجه سرعت طی طریق را می کنند

این تحت البحرها ۱۳۵۰ میل دور می روند و رفتن و آمدن آنها به مرکز خودشان دو مقابل آن ۲۷۰۰ میل ( ۷۸۰ فرسنگ ) می باشد و این مسافت را در نه روز می توانند صورت دهند یعنی روزی ۳۰۰ میل راه می پیمایند لیکن مدت ماموریت و عملیات آنها بیست روز است که رفته و پس از انجام کار مجدداً عودت نمایند مگر آنکه قبل از بیست روز تریل ها و قور خانه خود شان را مصرف کرده باشند که در آن صورت زودتر به مرکز خویشان رجعت می نمایند .

عمده صاحب منصبان و ملا جان بحر البحرها ۳۸ نفر یعنی ۶ صاحب منصب

و ۳۲ ملاح است همیشه تحت البحرها رجعت کرد ۳۸ نفر مزبور ۱۲ روز مرخصی دارند که رفع خسته کی کرده و راحت شوند و بنا برین ترتیب چنان است که از هر سه کشتی تحت البحری پیوسته یک فروند در تکیه گاه بحری است و یکی در کار حرکت و دیگری مشغول عملیات در وسط دریا است

از حساب کردن ایام عملیات هر یک تحت البحری ۹ روز برای مسافرت به میدان بزرگ دریا و ۲۰ روز برای مشغول جنگ و غرق جهازات بودن ۱۲۰ روز مرخصی و استراحت اعضا چنین مفهوم می گردد که مقیاس ساختن و بکار انداختن تحت البحرهای کوه پیکر و بر میدان نسبتاً به سیستمهای کوچک تر قدری کم و ضعیف است و بنا براین خوب فهمیده میشود که اداره بحریه آلمان با نتایج و تأثیراتی که از جنگهای تحت البحری بدست آورده و با نتایج و اثرات بزرگ تری که برای آنیه تعقیب می نماید شروع بساختن و تدارک سیستم های جدید از تحت البحرهای تازه تری نموده است که با اثر نیات معینه تأثیرات نتایج مهمه را نسبتاً با ماسعی و کوشش های کوچک تر تحصیل نماید یعنی تحت البحرهای کوچک سیستم تازه بسازد و فواید بزرگ از آن بگیرد از طرفی توجه بدین نکته نیز خیلی لازم است که تحت البحرهای

خیلی درشت و خیلی کوچک از حیث تریل و غرق سفاین خصم یک طور اسلحه دارند و قوه آنها در جنگ زیر آبی متساوی است و هر دو قسم میتوانند همان اثرات منتظره و همان ماموریت هارا انجام دهند

درست در همین موقعی که جنگ های تحت البحری آلمان شدت و قوت یافته و دایره عملیات خود را توسعه داده اند تحت البحرهای جدید اختراع وی بیرون آمده و شروع بکار کرده اند : آلمان از این قسم تحت البحرها خیلی ساخته و آماده کرده است . زیرا بطوریکه امیرال امریکا گفته است برای فعالیت و مداومت در عملیات باید تحت البحری باشد که یکی از آنها مشغول عمل بوده باشد و بنا برین عده بایستی زیاد

گردد که از هر سه فروند یکی بماموریت اشتغال یابد و در اینصورت تحت البحری های جدید اغلب از سیستم کوچک ساخته شده اند . چرا که بیشتر این تحت البحرها را آلمان میخواهد در بحر شمال و دریای مانش بر ضد جهازات انگلیس و فرانسه کار کنند و این نقاط نزدیک مراکز عمده و تکیه گاه های بحری آلمان است و میتواند پیوسته بمراکز خود رفته آذوقه و قورخانه تریل بردارد و احتیاج بدان نخواهند داشت که تحت البحرهای خیلی عظیم الجثه برای همراه برداشتن مقدار زیاد مهمات و سوخت در اینجا بکار برند مگر در دریا های دور مثل مدیترانه و ازه که سیستم های بزرگ می روند .

آیا ظرفیت و حجم این تحت البحرهای سیستم جدید چقدر میباشد ؟ آلمانها عادت ندارند که اسرار خود را بکسی گفته و هیچکس را طریقی اطمینان خود قرار دهند . اینقدر رسماً اطلاع حاصل شده است که یک تحت البحری آلمانی توسط جهازات انگلیس و فرانسه در بحر مانش غرق شده و تحت البحری مزبور خیلی کوچک و اعضا آن خیلی کم بودند بر حسب حدس و تخمین هایی که زده شده است حجم و ظرفیت این تحت البحرهای تازه در سطح آب از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن میباشد و دور



عملیات آنها زود زود شروع و ختم می گردد . توجه بدین نکته خیلی ضرور است که برای استعمال این تحت البحری ها حتی مرکز و تکیه گاهی لازم است که در سواحل بلزیک خیلی نزدیک کاله ساخته شده است که از فواصل و مسافتات کوتاهی بتوانند در بحر شمال و دریای مانس آمده مبادرت باموریت و عملیات بنایند ، این مسئله را باید بخاطر آورد که مکرر خبر رسیده است تحت البحری هائی که آلمان در کار خانهای جدید ه هویکن ه و ه انورس ه ساخته است در کانال های زبروک حرکت کرده و از آنجا داخل دریا شده است .

محسّنات و نتایجی که بوسیله این تحت البحری های جدید کوچک برای عملیات محیط های نزدیک حاصل می شود از این قرار است اولاً ساختن آنها کم است و بامثلتی می توان عده زیاد حاضر ساخت . ثانیاً زمان ساختن آنها کم است و در قلیل مدت از کار خانه بیرون آمده و شروع بکار می کند . ثالثاً عده معدودی از صاحب منصبان و ملاحان کاردان را می توان بچندین تحت البحری گذاشت و مثل تحت البحری های بزرگ عملیات زیاد لازم ندارد

محتاج بگفتن و توضیح نیست که چنانچه فواید و محسّنات این سیستم جدید باوضعیات معین مدلل گشته است . تحت البحری های خیلی بزرگ هم در میدانهای بزرگ و مخصوص خود مسلماً کار میکنند . اداره امیرالبحری آلمان هر يك از اسلحه و آلات جنگ تحت البحری را برای يك کار معینی تخصیص داده و از هر کدام آنها هر خاصیتی که می خواهند بهمان کار استعمال می کنند . نان ۱۹ آوریل

#### حکایت های محاربه

##### درمدیترانه

##### کشتی پروانس بطور غرق شد

مراسله ایست که از جزیره مالطه مسدوبو کانوسکی نماینده سن راجع به چگونگی تریل خوردن و غرق شدن کشتی پروانس در بحر مدیترانه به رئیس جمهور فرانسه نوشته است .

آقای رئیس جمهور بدون شبهه اطلاع دارید که دست قضا و قدر چه مقدرات میشوی برای کشتی پروانس پیش آورد .

برای آنکه لااقل اندوه و مصیبت فرانسه را قدری تخفیف دهد بشما مینویسم که حالت اشخاصی که در آن موقع در حین غرق شدن بین آسمان و آب قرار داشتند چه منظره شکفت انگیزی داشته و چگونه خویشتن را برای فدا شدن در راه وطن میپایم ساختند .

در این کشتی يك باطالیون سرباز و عده از نفرات رژیمان سوم پیاده بودند و در مقابل آن خطر یعنی غرق و اعدام يك سکونت حیرت آمیزی از خود بظهور رساندند .

درموقعی که تریل خصم به بیکر کشتی خورده و دفعتاً او را دچار لرزه و تشنج کرد من بافرمانده کشتی و معاون وی و چندین از صاحب منصبان عالی روی عرشه کشتی بودیم . فوری بنای تدارک را نهاده سی کردیم بلکه زمام آنرا نگاه داریم و سپس کسریند خلاص تقسیم کرده کرجی های نجات هرچه مقدور بود باب انداختیم .

ابداً فریاد و ناله برخواسته نشد . مطلقاً زاری و نوحه شنیده نگردید و بهیچوجه اضطراب و تزلزل مشاهده نگشت . سکونت و سکوت مناعت

کارانه بین این اشخاص که برای پیشرفت مقصود حاضر فدا کاری بودند حکمفرما می بود .

اگر خلاصی و نجات را کپین این کشتی تنها بدست رؤسا امکان پذیر میشد مسلماً همگی را خلاصی ممکن بود ولی متأسفانه کشتی بايك سرعت و شدت غم خیزی در آب فرو می رفت .

بلافاصله و در کمال شدت آب دریا داخل ديك های بخار و کوره های آتش میشد . وقتیکه ديك ها شروع بانفجار و ترکیدن را نهادند من خویش را به دریا افکندم و بسرعت شنا می کردم که از منطقه انفجار و لطمات نکه باره های کشتی دورتر روم .

دقیقه چند پیش طول نکشید که غرش انفجار و احتراق بايك صدای مد غنی و بايك وضع هراس آمیزی برخاست من سر خویش را به عقب برگرداندم - خاتمه حیات کشتی را برای العین مشاهده نمودم فرمانده کشتی کاپیتن ه و سکو ه در بالای برج عرشه همانطور باقی مانده بود و بايك صدای رسائی که همه را شگفت کرد فریاد برآورد ه فرزندان عزیزم خدا حافظ ه اشخاص که در کشتی باقی مانده و روی عرشه و پل بهیئت اجتماع جمع شده بودند بنوبه خویش بايك لحن هیجان انگیزی جواب دادند ه زنده باد فرانسه ه

در اطراف کشتی مفروق اشخاصی که با کمر خلاص شنا میکردند یادگر کرجیا و تخته باره ها سوار بودند خوب مشاهده کردند که جهاز پروانس فرو رفت .

دفعه اول بقتلا کشتی يك تکان بزرگ بخود داده و سطح عرشه مساوی با سطح آب گردید و همان وقتی که باقیمانده کان کشتی و شناوران دریا بیک صدا فریاد زنده باد فرانسه ه کشیدند و فاصله آن پنج دقیقه طول کشید .

منظره مهیب و باالهی بود . پس از آنکه من قریب نیم ساعت شناوری کردم بیک کرجی خلاص رسیدم که جمعی در آن بودند و من هم بنوبه خویش بدان آویزان گشتم و مرا بالا کشیدند .

شب شده است يك باد شروری در کمال سردی می وزد و گوشت های بدن ما را بدنمان و زش موزی خویش می کزد و غالی از ما هانگی لحث هستند و حتی يك جامه خیس شده از آب هم در بر ندارند .

آن شب زمهریر و عذاب بهیچوجه تمام نمیشد و مثل يك سال بنظر می آمد و مثل آن بود که صبح خلق نخواهد شد ولی با تحمل آن محنت شکایتی از لب های بیرون نمی آمد .

رفقای بدبخت و همراهان مصیبت کشیده من برای رفقای خویش که در کشتی مانده و با آن حالت یاس در کام نهنگ اجل فرو رفتند پیوسته دوچار اندوه بوده و از زاری و غم خواری غرق شد کان منصرف نمی شدند و کلمات آنان فقط قحش و نامزائی بود که به تحت البحری خصم می دادند که نه قبل و نه بعد از حمله غدارانه و تریل زدن به کشتی جرات نکرد که بالای آب آمده و بیرق خویش را نشان دهد که که ؟ و چکاره است .

تمام مدت شب و قسمتی از روز تا کمر دراب بودیم و دندانهای مان از شدت سرما پیوسته بهم میخورد و فقط علاقه به زندگانی و عشق بانکه زنده باشیم و بتوانیم انتقام خویش را بکشیم ما را از مردن و در آب افتادن حفظ می کرد . بالاخره بعد از بقای ۱۸ ساعت در این حالت دل

خراش يك کشتی نجات داد .

عده از کسان از کثرت سرما و زردی کثیر از شدت هول يك کشتی عس

را جمع کردم ج ه مالطه ه بردند و البته میل خواهم

برای شما حکایت بايك اخلاف باقی ماند .

کاپیتن ه و سکو ه به برج عرشه خود

که حتی الامکان مس

نوبچهای توپهای

نوبهای خویش را

غدار را بتوانند در

در انتظار ماندند تا آن

به مجردی که کشتی

غرق راشنید به استخ

سیصد نفر از سربازان

مهر قدر که فران

توپهای ضد طیارات

از تلفات هوائی مایوس

ضد طیارات انگلیسی

بر طیارات انگلیس

از مركبیم و وحشت

در مهارت علمی و نقشه

متخصصین بالاتراند .

خواندن جرائد آن

بلتیکی تمام صفحات آن

مشروحات مفصل راجع

که سرباز شده اند دو

بین النهرین تقریباً هی

انگلیس ها هنوز

بمانباشد افلا شکست هم

را که گرفته اند نگاه

ایالات شمالی فران

و قراطاغ در تصرف م



خرایش يك كشتی ماهی گیری رسید و ما را از این مصیبت و مسکنت نجات داد .

عده از کسانیکه در کرجها و تخته باره ها بودند در همان شب از کثرت سرما ورنج جان تسلیم نموده و جوی قریب به موت بودند و عده کثیر از شدت هول و عذاب مشاعرشان مختل و دیوانه شده بودند . يك كشتی عس انكليس و يك كروازر فرانسوی نجات یافته كان را جمع کرده جوی را بسوی جزیره و میلو و برخی را بطرف مالمه و بردند و من جزو انهایی بودم که به تکیه کاه انکلیس رسیدم . البته میل خواهید داشت که باره از وقایع آن ساعت بهت آور را برای شما حکایت نمایم و بافتخار نژاد ما این داستان شایسته برای اخلاف باقی ماند .

کاپیتان « و سکو » با صاحب منصبان تا آخرین ساعت زندگانی کشتی به برج عرشه خود را بند کرده و با یک حس فدا کارانه تملیقات میدادند که حتی الامکان مسافری را بتوانند نجات دهند . توپهای توپهای عقب کشتی پروانس بمجرد تریل خوردن کشتی توپهای خویش را بر کرده وسی می نمودند که شاید تحت البحری غدار را بتوانند در گوشه مشاهده کرده و سزایش را بدهند و اینقدر در انتظار ماندند تا آنکه لوله های توپ بکلی در آب فرو رفت . به مجردی که کشتی موسوم به « کانادا » ی انکلیس علامت بحری غرق را شنید به استخلاص شتافت و با تفاق کروازر فرانسوی قریب سیصد نفر از سربازان و رز کین کشتی خلاصی یافتند .

از جزایر انکلیس

تفیدات يك صاحب منصب المانی

از ارکان جریه انکلیستان

هر قدر که فرانسویان کفایت دارند انکلیس ها بی کفایت اند توپهای ضد طیارات فرانسویان شکست انگیز است . صدی نود و پنج از تلفات هوائی ما بواسطه توپهای فرانسوی و صدی پنج بواسطه توپهای ضد طیارات انکلیسی است . طیارات فرانسوی روی هم رفته خیلی بر طیارات انکلیس مزیت و برتری دارند اما آسمان پیمایان انکلیس از مرکز یم و وحشت ندارند و خود را بی محایا در خطر می اندازند در مهارت علمی و نقشه و طرز ساختشان طیارات فرانسویان از طیارات متخاصمین بالاتر اند .

خواندن جرائد انکلیس ما را خیلی سرگرم و مشغول میدارد مطالب بلژیکی تمام صفحات آنرا بر کرده است . در نمرات اخیر جرائد انکلیس مشروحات مفصل راجع باین مسئله مینوشتنند که آیا حقوق اجزاء پارلمان که سرباز شده اند دو برابر شود یا خیر ولی از جنگ های و ردون و از عملیات بین النهرین تقریباً هیچ چیز نمی نوشتند .

انکلیس ها هنوز درک نکرده اند که اگر در این جنگ علیه قطعی ایمان باشد افلاک شکست هم نخواهیم یافت . در تمام میدانها قشون ما اراضی را که گرفته اند نگاه داشته اند .

ایالات شمالی فرانسه ، بلژیک ، صرب لهستان ، ایالات غربی روسیه و قراطاغ در تصرف ما هستند . راست است که در آسیای صغیر بر عثمانی

حمله کرده اند اما قشون ترك انکلیس ها را از کالی پولی اخراج نمودند و حالیه باستمداد رود دجله مشغول خفه کردن قشون انکلیس و هند میباشد بواسطه خیانت ژاپنی ها کباجو از تصرف ما خارج شد و مستعمرات افریقائی ما را منزع ساخته اند لیکن باید دانست که میدان های کباجو و افریقا اهمیتی ندارند و نتیجه جنگ در روسیه و فرانسه معلوم خواهد شد .

انکلیستان شاید هنوز دل خود را خوش کند که ملکه و خاتم دریا میباشد اما ملکه ایست که بیرون فروتوت شده و سلطه وی بر امواج دریاهان قدر میباشد که بر آسمانها غلبه دارد . بحریه انکلیستان جهازات بیطرف را از آمدن بسواحل ما ممانعت نمینماید و نمیکذارند که کشتی های تجارتي ما سیر کنند اما تحت البحرهای ما در دریا ها مشغول حرکت هستند و قعر اقیانوس را آرامگاه کشتی شکسته های انکلیس کرده اند . ما بتوسط ژپان های خویش بدون هیچ مزاحمت در آسمان انکلیستان سیری کنیم و تپاهی و بوار بر آنها میبارانیم و اگر جان نفوس بی گناه در این جنبش هاتلف شود ما را چه گناه است و آیا انکلیستان که میخواهد بوسیله محاصره کردن سواحل ما اطفال معصوم و زنان بی گناه آلمان را از کر سنی معدوم نماید عذری کرده اند بیایرد ؟ ما از این جنگ متنفر هستیم . شانسور ما در جلو جمیع عالم اعلام نمیکندند که مقصود آلمان در این جنگ منهدم ساختن قوای مسلح انکلیس است در صورتی که مستر اسکویت در تمام نطق های خویش اعلام میدارد که متفقین میخواهند قوای آلمان را منهدم سازند و عظمت نظامی ما را معدوم کنند در صورتیکه همین قوه ملیت ما را ضمانت مینماید . تعجبی نیست که ما جنگ میکنیم ، مگر انکلیستان بخواب به بیند که در جنگی آلمان شکست باید هر وقت بخاطر میاوریم که لرد کرزان گفته بود که هندوها در عقب قشون فاتح متفقین وارد آلمان می شوند بی اختیار میخندیم .

آیا شریف مکه و اعراب بغاوت کرده اند ؟

لکهنو - ۲۸ - جون .

در مجلس عام مسلمانان قرار یافت که ایشان از حرکت ناشایسته باغیان هرب اظهار برائت مینمایند و عمل قبیح آن فتنه انگیزان را سرا سر خلاف دین اسلام می پندارند . و کسانی را که بان اشرار اعراب غمخساری میکنند خارج از دایره دین می انگارند . و چنین مردم بی ناموس را اعدای اسلام و اسلامیان می شمارند و از مضمون تبلیغاتی از کلکته که بعض مسلمانان از خبر بغاوت اعراب شاد شده اند اظهار تفرین سخت و بیزارى و بخت میکنند .

جناب محترم مدیر سراج الاخبار افغانیه -

از اشاعت غیر قابل اعتبار خبر هوش ربا که شریف مکه بخلاف خلافت عظمی علم بغاوت برا فراشته و با تفاق قبایل بن و وسط جزیره العرب عساکر عثمانیه را در مکه و طائف و جدّه اسیر کرده . و پیرامون مدینه منوره محاصره نموده . و سکه الحدید را از مدینه تا بسیار مسافت در شمال خراب ساخته در همه عالم اسلامی يك هیجان جبهان آشوبی



پیدا شده است حسب منطوق کلام رب منعمان جان جا که فاسق بنیافتند و او  
(اگر بد کار شخصی بشما خبری بیارد . بر شما لازم است که در تحقیق  
و تفحص آن خبر دقت نمائید ) بزرگان ملت مرحومه را باید که از محض  
شنیدن این خبر وحشت اثر متاثر نشوند . بلکه تدقیق و امعان نظر را  
کار فرموده بدهم از رخ شاهد حقیقت بردارند . این خبر نویژه در احوال  
موجوده . زیاده ترا حتمال کذب دارد . بشهادت قرائن ذیل . اولاً همین  
شریف مکه بود که فرزند خود را رئیس عسکر عثمانی کرده بمقابله باغیان  
جنوبی فرستاده بود . ثانیاً همین شریف بود که هنگام اعلان جهاد اکبر  
پیش از بیست و یک ماه بیرق هایون سید لولاک را در مدینه منوره علی روس  
الاشهاد بیرون آورده بود ثالثاً دولت علیه عثمانیه از ملک حجاز هیچ محاصل  
نمیگرفت بلکه هر سال یازدهم ماه شعبان در قصر هایون سلطانی در قسطنطنیه  
مهرام صرة هایون که عبارت است از ارسال کردن وظائف شریف مکه  
و مشایخ و علما و مجاورین حرمین شریفین بکمال تجمل و شان ادا کرده  
میشود . صرة های طلائع خالص بر اشتران و قاتران همراه لشکر منظم  
حزب سنت الله روان کرده میشود .

شریف مکه که بعقل سلیم شهرت دارد . چگونه جبراین نقصانات  
ظاهری تواند نمود ؟ در حالت موجوده وادی غریزی زرع قابلیت  
محاصل کافی ندارد .

را بعل شریف لشکر نداد و نه برای پیدا کردن لشکر منابع ثروت دارد خامساً اگر شریف زیر حمایت دولت نصرانی استقلال اسمی اختیار کرده باشد بیشک « فرمن المطر وقر تحت المیزاب » در حق اوصادق خواهد آمد — دران صورت عالم اسلامی این بی ناموسی را هرگز قبول نخواهد کرد .

واقفان اسرار سیاست دول معظمه یورپ اشاعت چنین ارا حیف  
راغباره استکشافی برای دانستن سمعته هوای حسیات خلائق می نامند  
ایشان را قرآن کریم «المزجفون فی المدینه» لقب داده بود . مثلاً هر بیت  
فاحش مخالفین در گلی بولی و سقوط قطعه عمارت و ضاعفات عظیمه  
بحریه در معرکه جتاند و غرقابی لارد کچنر - این واقعات مفرقه  
در مدت قلیله . و علاوه بران امکان غالب سقوط و ردون همه متفق  
شده مخالفین را مجبور کرده است بر اشاعت چنین دروغهای بی بنیاد  
بن امکانی دیگر باقی است که مخالفین دولت علیه عثمانیه دیدند که  
روزانه تقریباً پنج میلیون زر سرخ صرف میشود . خواستند که سیریل  
کراف و وعده اعانت عسکری و اسلحه و مهمات جنگ شریف مکه را  
از جاده صواب منحرف کنند . یا کرده اند . البته الغریق یقینیت  
بالحقیقت . اما این سعی ایشان مورث بلاهای مهلکه برای سعی کنند  
کان خواهد بود .

اگر این خیال حقیقت باشد یعنی شریف مکه باغواوی دولت نصرانی  
و بعد آن این رخنه در اسلام انداخته و بخلاف آن دولت اسلامی که  
فها در عالم استقلال خویش را نگاه داشته حلقه های بزرگترین دول  
دیار را متحمل میشود و برای شرف و بقای اسلام جان و مال را فدا  
میکند خروج نموده . البته مرتکب جنایتی کبیر شده است . این عمل  
وضیع شریف رانه اسلامی موجود و نه قرون آینده اسلامی عفو خواهند

کرد - زیرا که خداخواسته باشد درین نازک حالت از خانه جنگی احتمال  
محوشدن دولت عثمانیه وهم چله دولهای اسلامیة میباشد این غداری  
را چگونه امت مرحومه از کسی که خود را از اولاد رسول کریم  
میخواند عفو نماید !

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی !  
خصوصاً خراب کردن سکه الحیدر حجاز که از بول مسلمانان دنیا  
ساخته اند و در هنگام بتایش صدها مسلمین جان خود را طوعاً نثار  
کرده بودند حیاتی است همه عالم اسلامی - برای هزارها حجاج زحمتی  
شدید پیدا شد . چگونه جراید انگلیسی از تسهیل حجاج از جهت این  
بغاوت لاق میزند ! الا عراب اشد کفرأ و نقافأ در حق شریف باغی  
ثابت شود اگر او در حقیقت مرتکب این جنایت کبری شده است  
و اظهار تفرین و لعن و غضب از مسلمانان لکهنو در حق این جانیان  
عین صواب باشد .

مسلمانان حقیقی را باید که در صورت ثبوت خبر بغاوت شریف  
اعوان او هم همت را نبازند . بلکه امیدوار بمظفریت اسلامیان حقیقی  
باشند پیشین کوئی حضرت رسول کریم است که بدار الاسلام غریباً  
وسیعود غریباً کا بدار فطوئی للغریاء [ اسلام در آغاز در دار غربت  
مدینه ( نازل بقوت وعظمت شد ، و نه در دار ظهور ( مکه ) و زود  
زمانی آید که باز اسلام در دار غربت ( استنبول ) و نه در بلاد عرب  
فاخر بقدرت و عظمت خواهد شد چنانکه در بدایت شده بود پس آفرین  
بر آن مسلمانان حقیقی که در بلاد غربت اسلام را بپایان وصال خود برپا  
داشته جائز سعادت دارین باشند در خانه باید که شریف و دیگر سادات  
بضمند :- الحسنة حسنة وهی من بیت النبوة احسن والسية سيدة  
وهی من دار العلوایة اثنین ( نیکی نیکی است اما از خانه یغیبر  
نیکیو ترین میباشد و بدی بدیست ولیکن از دار العلوایة بدتر است )

خبرهای متنوعه جنگ از جراید اروپا

ولیعهد عثمانی در فرزندت غرب

از بکار است روزنامه «اوتوروستی» خبر میدهند که بر حسب معلومات  
واصله از اسلامبول، وحیدالدین افندی ولیعهد عثمان بر حسب دعوت  
امپراطور ویلهم پیدان غرب مسافرت می کند که در انجام وقت اختتام  
جنگ وردن در فروخت مزبور حضور داشته باشد.

تشویقات عثمانی در البانی

از سالونیک تلگرافا خبر میدهند که پنج نفر صاحب منصب عثمانی  
از راه (سائین) به البانی مسافرت کرده اند صاحب منصبان مزبور فتوای  
شیخ الاسلام عثمانی را همراه خود برده اند که در البانی انتشار دهند. در این  
فتوی المان و بلغار را معین اسلام معرفی نموده و البانیها را دعوت کرده اند  
که باردوهای آنها ملحق شوند از قرار معلوم صاحب منصبان مزبور  
امیدوار بوده اند که بجمع آوری و مسلح نمودن تاجماهر از آنرا وادها  
موفق شده اند.

بيانات بك صاحب منصب الماني

از استقامت کرامت کرافا خبر میدهند که یکی از صاحب منصبان محرمه الامان



در ضمن مصاحبه با بعضی از مخبرین جراید سوئد اظهار داشته است که جنگهای بزرگ بحریه المان در فصل پاییز شروع خواهند شد. و در همان موقع اغلب کشتیهای جدید المان را که فعلا مشغول ساختن آنها هستند به آب انداخته شروع به محاربات قطعی دریائی خواهند نمود.

#### آتش سیال یا مایع سوزان

روزنامه «تان» در خصوص یک نوع شعله های سیال که المانها با ماشین مخصوص بطرف دشمن می اندازند، تحقیقات ذیل را مندرج نموده است: المانها آتش سوزان را مانند آب جریان داده و بتوسط آلت مخصوص در جنگ استعمال می کنند. این ماشین یا منجنیق شعله یا بشکل یک استوانه فلزی ساخته شده و طول آن یک متر است و یک لوله بطول هشت الی ده متر به استوانه مزبور نصب شده است این لوله را دو نفر سرباز نگاه میدارند و یک نفر دیگر نیز همان مایع سوزان را اداره می کند. ماشین

مزبور شعله های سیال خود را تا مسافت پنجاه متر می اندازد و حرکت یاجریان این شعله ها علی الظاهر تا یک دقیقه مداومت می باید.

#### مس در المان

روزنامه (نویه وریمیا) نقل می کند که امپراطور و پهلای فرمائی صادر کرده و در جراید المان اشاعت داده مشعر بر اینکه باید تمام نخته های مس را از سقف عمارات برداشته و سقفها را از آهن یا چیز دیگر ترتیب دهند، بر حسب این فرمان سقف عمارت قشنگ پوتسدام که از مس بود برداشته شده و در سایر عمارات عالیه برلین نیز شروع به برداشتن طبقه های مس نموده اند. و باین ترتیب در نقاط مختلفه المان سقفهای شصت و پنج عمارت را تغییر خواهند داد و بدین وسیله هزارتن (قریب سه هزار و پانصد خروار) مس تحصیل خواهد شد و از قراری که (نویه وریمیا) مینویسد این مقدار مس برای مصرف کارخانه های مهمات جنگی تا یک هفته کفایت تواند کرد.

#### خاتمه

#### سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

بفضل و عنایت قادر حکیم لایزال جلت عظمت و توجهات عرفان آیات اعلی حضرت (سراج الملة والدین) بادشاه دیانت خصال ترقی آمال، این کرامی نامه اسلامی و وطنیه - یعنی جریده (سراج الاخبار افغانیه) سال پنجمین خود را باین نسخه بیست و چهارم خود به انجم رسانید. و بقرار سالهای سابق در بنابر نیز بنام (معلم حکمت) یک (هدیه) ناچیزانه، و یک اثر فنی محقرانه پیشکش انظار قارئین عظام خود نمود. از بارگاه ایزدمتعال جل شاناه تضرع و نیاز میکنیم که در زیر ظل ظلیل عرفان دلیل بادشاه عظیم المثل دولت عالیه مستقره افغانستان (اعلی حضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدید الزمان، دین، دولت، ملت، وطن ترقیها و تعالیها، معمور بنهای روزافزون به بیند. و این کرامی نامه وطنیه که بخدمت قلمیه ذی مفخرت این مقدسات افتخار مینماید تا بسیار سالها برافزای وظیفه مقدسه خود دوام ورزد و مزایای و ثنای ذات اعلی حضرت متبوع و اولی الامر اعظم مقدس خود را تا بی زمانها زینت سر لوحه افتخار خود سازد. آمین

#### حمله به ریکا از خشکی و دریا

از بطر و کراد تلکراف می نمایند که المانها جدیدا در فرونت ریکا مقدار زیادی توپخانه بحری آورده اند و اما مازور کل روس رسیدن توپخانه بحری المان را در فرونت ریکا تصدیق مینماید. جریده انوالید ارکان وزارت جنگ روس چنین اظهار میدارد که بین ظهور این نوع توپها در این قسمت از میدان و شروع به تعرضات قوای بحری المان در فصل بهار بر ضد خلیج و سواحل ریکا علاقه مستقیم و محکمی موجود میباشد.

جریده مزبور مینویسد: در صورتیکه قوای بحری روس که فعلا در آن خلیج بر علیه سفاین جنگی المان جنگ مینماید بواسطه توپخانه بحری

المان نتواند به ساحل نزدیک شود توپهای مزبور المانی قوای خشکی خود شان را کمک و مدد کرده و میتواند مواقع جناح یسار مارا در فرونت ریکا مورد حمله و تعرض قرار دهند و بدین ترتیب میدان و نواحی ریکا از دو طرف یکی از جانب کانکر و جزیره والون و دیگری از جانب سواحل خلیج مورد تعرضات قوای بری و بحری المان خواهند شد.

#### توسعه حقوق نسوان در نروژ

از استکهلم تلکرافا خبر میدهند که مجلس ملی نروژ تصویب نموده است که قانون اساسی تبدیل یافته و بنسوان مملکت حق عضویت در شورای وزراء داده شود.

ش رود صورت شستن شد

لاغیه ها هم ماه که شستن شد که عثمانی را ند

وزیرال نادر چه جدید ت قوای شش کرد در جانب

آخرین و مساعد

ون کشتی نیکلیس ها بغداد بالا بن ستون نیلی از این که قشون و از ترعه شون عثمانی که جبهاتی که ام فاعلا

محصور ماند لالت بزرگی یار شدند - ره خود را باره و تسلیم ووری برای

ون منشور عاتی از نوع مطالعه بحری



### استخدام نسوان در جنگ

از باریس روزنامه «اوتوروستنی» خبر میدهند که از طرف وزارت جنگ فرانسه حکمی صادر شده است مبنی بر اینکه در مراکز قشونی برای انجام وظایفی که مستقیماً و بلاواسطه مربوط بامور جنگی نباشد بجای افراد قشون حتی الامکان از طبقه نسوان معین شوند از قرار اشعارات جراید فرانسه از روی تجربه معلوم شده است که این ترتیب نتایج خوبی ظاهر ساخته است.

### احتراق در کارخانه باروت

از لندن روزنامه نوویه ورمیا خبر میدهند که بر حسب معلومات شعبه مطبوعات انگلیس وزیر قورخانه اطلاع داده است که هفته گذشته در کارخانه باروت «کاند» احتراق بزرگی وقوع یافته و بواسطه احتراق مزبور چندین انفجار حادث شده است حریق که موافق ظهر آن روز واقع شده است اتفاقی بوده است آخرین انفجار در ساعت دو بعد از ظهر واقع گردیده است.

عده ضرر دیدگان این حادثه بطور تخمین دویست نفر میباشند.

### تبریکات قبصر

امستردام مورخه ۲۶ مارس - بر طبق تلگرافی که از برلین رسیده قبصر تلگراف ذیل را به مریهلفریش مخبره نموده است.  
از راپورت نتیجه قرضه چهارم جنگ خیلی مسرورم. اینک شما و جمیع کسانی که در این مسئله کمک کردند تبریکات و تشکرات خود را اظهار میدارم. این استقراض دلیل بر آنست که ملت المان دارای یک قوت و قدرت تزلزل ناپذیری است و عزم و تصمیم آنها در فتح تکان نخورده و واقع این قوت و قدرت اخلاقی را باید در ردیف شجاعت و شهامت قرار داد که هر روزه سپاهیان ما در میدان جنگ بروز میدهند.  
ماتی که بایک چنین روحی مانند یک وجود در ضد دشمنانش مقاومت می کنند و بر خداوند اعتماد دارد میتواند بفتح و غلبه خویش امیدوار باشد (روتر)

### از جراید فرانسه

ماموریت های فوق العاده فرزندان قبصر

اکوست ویلهلم نایب السلطنه بلژیک

از امستردام تلگرافا اطلاع میدهند که برنس اکوست ویلهلم چهارمین پسر قبصر ویلهلم عنقریب بایکده اشخاص و یک موکبه مهمی وارد بروکسل پای تخت بلژیک خواهد شد برنس مزبور بجای «ون بیسینگ» فرمانفرمای کل آن مملکت برقرار و لقب نایب السلطنه بلژیک را خواهد گرفت.  
از سویس تلگرافات وارده اشعار میدارد که روزنامه «طنین» منطبقه اسلامبول خبر داده است که برنس ایتل فردریک فرزند دوم قبصر المان بهمین زودی وارد قسطنطنیه خواهد شد و بر حسب ماموریت از جانب پدریک قبضه شمشیر مرصع خیلی نفیس هدیه امپراطوری را به سلطان عثمانی تقدیم می دارد.

### اعلان

سراج التواریخ

جلد اول - و دوم

زندگانی جاودانی هر قوم و ملت (تاریخ آنست). (سراج التواریخ)  
اثینه حیات نمای ملت جلیل افغانستان. زیرا از آغاز تشکیل و تاسیس یافتن دولت افغانستان حالیه بحث میراند که برای حال و استقبال ملت بهتر ازین درسگاه عبرت، و خوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود. هر فردی از ملت را واجب است که یک نسخه از آنرا بدست آرند و مانند حرز جان در کتابخانه قلوب خودشان نگهدارند. علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه و خیر خواهانه استفاده عمومی به امر و فرمان ذات عرفان صفات پادشاه مقدس ماعلیحضرت «سراج المله والدین» تألیف و تدوین و در مطبعه حروفی دار السلطنه کابل بزور طبع آرایش و تزئین یافته است.  
جلد اول این کتاب از ابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تاسیس و استقلال دولت علیه افغانستان تا ورود اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم جنت مکان از هند در کابل بحث میراند و جلد دوم آن از حکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی از ابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تا به اول جلوس اعلیحضرت «ضیاء المله والدین» امیر عبدالرحمن خان «طاب ثراه» وقایع تاریخی را جامع میباشد بر کاغذاعلا بحروف نیک بطبع رسیده است. قیمت کتاب مذکور نسبت بزیقت و خوبی تجلید آن از قرار ذیل است

نمبر (۱) یشتی چرمی جرم نصواری دانه دار کابلی بخت چهار حاشیه جدول طلا بر کار نشان دولت و اسم کتاب از ورق طلای اصل جزو بندی شده مبلغ شانزده روپیه بخته کابلی -

نمبر (۲) یشتی مقواریه کپره ماشی چهار کنج وزیر چرم قرمه سیاه حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا مجتبه سبزه روپیه بخته کابلی -

نمبر (۳) یشتی مقواریه کپره لاجوردی چهار کنج وزیر چرم میشی سرخه کابلی بخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا مجتبه جزء بندی شده یازده روپیه بخته کابلی و ده شاهی -

نمبر (۴) یشتی مقواریه ابری چهار کنج وزیر چرم میشی سرخه کابلی بخت حاشیه و اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا مجتبه کولک بندی شده ده روپیه بخته کابلی و سه شاهی -

نمبر (۵) یشتی مقواریه ابری سرخ چهار کنج وزیر کپره سیاه اسم کتاب و نشان دولت ورق طلا مجتبه کولک بندی شده نه روپیه بخته کابلی و یازده شاهی - محل فروخت

در نفس ارك مبار که از تحویل خانه جناب محمد ولی خان سر جماعه در بازار ارگی از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهار جلد میباشد اگر در یک وقایه و شیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت هابون ولا امر نمودند که جلد اول و دوم در یک وقایه شیرازه شود و جلد سوم و چهارم آن که هنوز در زیر طبع میباشد و پس از آنکه از طبع برآمده مقوا کرده شد انشاء الله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در جهانبخانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر و سر محرر تحریر یافته

محمد طرزی

مذاکره می شود که ساخته و مخصوصاً به می کرد یکی آنکه او بعبارة آخری جنگ در آنها تعبیه شده و با کشتی های سطح تحت البحرها مثل متعاقب این خ مترادف با تحت البحر آلمان تحت البحر که حجم و قطر آن کوچک و خلیج های از مراکز بحری خود این دو قسم بحر البحر می کردند شایه آن ساخته شده و مرکب می شود معین شده در خصوص این خریدی رسیده است بمسوطه را حازی آنها چیزهایی که اینک اطلاعاتی تحت البحرهای آناز و ذکر می نمایم. امیرال آلمان که در حین ۹۰۰ تن ظرف بار مرکب عمده و تکیه می باشد و تحت البحر و فاصله ۱۳۵۰ میل و دایره عملیات داشته مذکور بسرعت ۲۰ عملیات بسرعت ۱۷ ۱۲ نود و راه می روند زیر آب بجه سرعت این تحت البحر به مرکز خودشان و این مسافرت را میل راه می پیمایند که رفته و پس از آن روز تریل ها و قور زودتر به مرکز خود عده صاحب منصبان و



# اعلان

عموم مشترکین کرام خود را

یاد آوری میکنیم

مرفدرسی و کوشش کردیم که از شکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خود را بیایم ممکن نشد لهذا با کخانه مرکزی دارالسلطنه کابل يك مقاوله نموده با کخانه مشارالیه تقسیم و توزیع اخبار ما را که همه مشترکین کرام ما رساند در عهده حمیت خود قبول نمود. مشترکین کرام دارالسلطنه خود را بشیر و یاد آوری میکنیم که بعد از این اخبار های شان بدون واسطه غیر فردا فردا بواسطه آدمهای دا کخانه بخود شان میرسد.

## شرایط خریداری

| دارالسلطنه   |                  | ولایت داخل افغانستان |                   |
|--|------------------|----------------------|-------------------|
| قیمت سالیانه                                       | هشت روپیه کابل   | سالیانه              | چهارده روپیه کابل |
| قیمت ششماهه  | پنج روپیه کابل   | ششماهه               | هشت روپیه کابل    |
| در خارج افغانستان                                  |                  |                      |                   |
| مرحاضیکه باشد با اجرت پوست                         |                  |                      |                   |
| قیمت سالیانه                                       | ده روپیه انگلیزی | قیمت ششماهه          | پنج روپیه انگلیزی |
| سه ماهه اشتراك قبول نمیشود                         |                  |                      |                   |
| يك طلای بوند انگلیزی بازده روپیه کددار است از همین |                  |                      |                   |
| قرار حساب کنند                                     |                  |                      |                   |

## (شرایط درج کردن اعلانیها)

سوداگرانی که مال تجاری، و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در سراج الاخبار افغانیه اعلان و اشهار کردن میخواهند، و یا دیگر هر رقم اعلان و اشهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود:

اعلانی که در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ يك روپیه کابل و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر يك قران یعنی نیم روپیه کابل اجرت گرفته میشود اعلانی که درین ورق و قاپه درج شود از یکبار تا پنج بار فی سطر يك قران یعنی نیم روپیه کابل و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود. طول سطر يك ستون اخبار ما (۳ - اینج - ۴ - سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خود را منادیاً تا يك سال نشر کردن خواهد و وجه يك ساله را پیشکی ادا نماید در ورق پشتی بر سر سطر سناجر اجرت گرفته میشود

اعلان

حَتِّیْلَا قَطْعَةً وَی مَدْرَ  
شَیْئًا مِّنْ سِرِّهِ وَی مَدْرَ

ص ۲۹ روز

اَسْتِیَا ۞ اَوْ رُفِیَا ۞ اَفْرِیْقَا

Univ.-Bibl.  
Bamberg

(مطبعة عنایت) يك اثر دلپذیر جدیدی در نظر هوskarان عرفان جلوه عرض میدهد. بدست آید، بخوانید در ظرف ۲۹ روز يك مدت کمی سه قطعه زمین را با سیاح یکجا و همراه دور و سر میکنید، ملکهای را که بر آن میگذرید مفصل و مکمل جغرافیا و تاریخ آنرا خوانده میتوانید. چه چیزها می بینید. چه چیزها میشنوید، چه لذتها چه سرورها میگیرید! علمی، ادبی، سیاسی در عین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات برانگیزانه يك اثر!

این اثر از سه جلد مرکب و در يك وقایه مجلد میباشد. تقریباً (۷۰۰) صفحه، و با (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه و اشخاص معتبره و نقشه های مهمه مزین است. نسبت با اینهمه خوبه های آن قیمت (۷) هفت روپیه کابل آن هیچ نیست. کاغذ اعلا، چاپ حروفی، تصاویر زینکو گرافی، جلد محکم و استوار: دیگر چه میخواهید! همینقدر که یاد در نفس مطبعة مبارکه درده افغانان به (عبدالرؤف) خان سر مرتب مطبعة مبارکه، یاد بازار ارکبد کان (باز محمد) تاجر کتب و یاد بازار کتب فروشی متصل مدرسه شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو آورده بمبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آید دیگر ی کاری نماند



( اعلان )

## پراکندګ

از آثار مطبوعه تازه مطبعة مبارکه عنايت .  
 عبارت از يك مجموعه اشعار ابدار تجدد آثاري  
 ميباشد كه بر كاغذ اعلا ، و خوش طبع دلريا ، با تصوير  
 بسيار زيبا جلوه گر بازار عرفان كرده است .  
 اگر چه از بحث خط و خال بعيد است ولي مضامين  
 و خيالاتش سراسر بيك طرز جديد است . نسبت بخوبيهاي  
 ظاهري و معنويش قيمتش خيلي ارزان . يعنى بمقابل  
 ( ٧ ) دو روييه كاپي در خود مطبعة عنايت از نزد  
 عبدالرؤف خان سر مرتب ، و در بازار ارك از  
 دكان باز محمد ، و در متصل مدرسه شاهی از دكان  
 حاجي غلام محمد خان تاجر كتب هر كس خريده ميتواند .

اعلان

## جزيره پنهان

هوسكاران مطالعة آثار ادبيه را مزده ! از بين  
 نويسر رسیده کلازار ، مطبعة عنايت ، کام جارا شيرين  
 نمايد ! . جزيره پنهان ، يك ناوليست كه قوت ادبي  
 و معرفت و سنی و غيرت را برای اساس زندگانی نوع  
 بشر بنظر ثبات و جلوله گرميسازد . هم حكایت ،  
 هم عبرت هم فن ، هم فضيلت ! خوشي جاپ ، خوشي  
 كاغذ ، خوب تصويرش علاوه ، قيمتش نظربخوبيها  
 باطني و ظاهريش بسيار ارزان ! تنها ( ٦ ) شش روييه  
 محل فروخت نفس مطبعة عنايت در ده افغانان ،  
 دكان باز محمد در بازار ارك ، دكان حاجي غلام محمد خان  
 تاجر كتب متصل در مدرسه شاهی .

اعلان

از اداره

كتاب سال اول سراج الاخبار افغانيه مجلد  
 كتاب سال دوم . . . مصور مجلد  
 كتاب سال سوم . . . مصور مجلد  
 كتاب سال چهارم مصور مجلد  
 علم و اسلاميت  
 آيا چه بايد كرد ؟  
 ادب در فن  
 ترجمه  
 مختصر جغرافياي عمومي  
 اين كتابهاي فوق در اداره موجود است . هر كس كه آرزوي  
 خريداري آنها را داشته باشد به اداره مراجعت كند .

اعلان

از مطبعة عنايت

قيمت روييه كاپي

سياحت ردورا دور زمين بهشتاد و روز مجلد ٢  
 سياحت در جو هوا مجلد ٢  
 سياحت در زير بحر مصور مجلد ٤  
 از مردمن سخني وار هرچن سني مجلد ٢  
 روضه حكيم مجلد ٢  
 پراكنده مصور مجلد ٢  
 جزيره پنهان مصور مجلد ٦  
 هر كس كه آرزوي خريداري اين كتابهاي مافوق را  
 داشته باشد از خود مطبعة عنايت در ده افغانان از نزد  
 عبدالرؤف خان سر مرتب و از دكان باز محمد خان تاجر فروش  
 در بازار ارك و از دكان حاجي غلام محمد خان تاجر كتب متصل  
 مدرسه شاهی قيمتهای معين خريداري كرده ميتوانند .  
 و اگر از خارج افغانستان آرزوي خريداري كتابهاي  
 مافوق را بكنند به مدير سراج الاخبار افغانيه مخبره كنند .

اعلان

كتابهاي مجلد سراج الاخبار افغانيه ، و كتابچه هاي علاوگان و شماره هاي متفرقه آن ، و همه كتابهاي مطبعة عنايت  
 خريداراني كه آرزوي خريداري آنها را داشته باشند از دكان حاجي ملا غلام محمد خان تاجر كتب متصل مدرسه شاهی ، و از دكان  
 باز محمد خان تاجر كتب در بازار ارك قيمتهای معين آن خريداري كرده ميتوانند و نيز در خود اداره در ماشينخانه  
 مباركه ، و در خود مطبعة عنايت در ده افغانان هم بفروش ميرسد فقط